

اكادمي علوم جمهوري افغانستان

مرکز زبانها و ادبيات

انستيتوت مليت های برادر

# زبانهای پامیری

مؤلف: ت. ن. پاخالينه

مترجم: ماه گل سليمان دوست

مهتمم: فهيمه ابدالی

كابل، ۱۳۶۶

ویراستار: نوروز علی ثابتی

فیض آباد، ثور ۱۳۹۲

## پیشگفتار ویراستار

ت. ن. پاخالینه (Т. Н. ПАХАЛИНА)، یک زن دانشمند روسی بوده که در قسمت زبانهای پامیری (شغنایی – روشانی، سریقولی، یزغلامی، اشکاشمی – سنگلیچی، واخانی، و منجانی) تحقیقات نموده و در این زمینه حاصل تحقیقاتش را در کتابی زیر نام «زبان های پامیری» در سال ۱۹۶۹ میلادی در مسکو (به روسی: ПАМИИРСКИЕ ЯЗЫКИ) به زیور چاپ آراسته است. در حقیقت، پاخالینه زحمات بسیار زیادی را متقبل شده و زبانهای پامیری را در چین و اتحاد شوروی وقت (تاجیکستان کنونی) مطالعه سیستماتیک نموده است. نظام آوا شناسی، واجشناسی، صرف و نحو این زبان ها، و همچنان تاریخچه مختصر پژوهش هایی که قبلاً در راستای این زبانها صورت گرفته، همه را با در نظر داشت اسلوب زبانشناسی تشریحی مطالعه و با یکدیگر مقایسه نموده است. وی در این راستا، عمر گرانبهای خویش را وقف بررسی، تحقیق، و مطالعه این زبانها نموده است.

کتاب «زبان های پامیری» در افغانستان، بکوشش اکادمی علوم افغانستان در سال ۱۳۶۶ هجری خورشیدی (۱۹۸۷ میلادی) توسط ماه گل سلیمان دوست، از روسی به دری ترجمه، و برای بار اول به تیراژ ۲۰۰۰ جلد نشر می گردد.

در این اواخر پژوهشگران توجه خویش را معطوف به تحقیقات در زمینه زبان های پامیری نموده اند، و در این زمینه مقالاتی را نشر نموده اند، بویژه در قسمت زبان های شغنایی، واخانی، و منجانی.

بیشتر محققین منابع و مأخذ نوشته های شان از اثر پاخالینه اقتباس و یا به آن رفرنس (reference) داده اند. در این زمینه خواستم تا متن اصلی اثر پاخالینه را پیدا نموده و آنرا را مرور نمایم. ولی، این اثر در دسترس من قرار نگرفت. بعد از مدتی، محترم دوکتور نور علی دوست، برایم نسخه روسی آنرا تصویر برداری و برایم از طریق پست برقی فرستاد؛ ولی من نتوانستم متن آنرا مرور نمایم، زیرا که با زبان روسی بلدیت ندارم. بعد از جد و جهد بسیار، توانستم نسخه ترجمه دری این اثر را پیدا نمایم.

هر که در کوشش شتابنده بود عاقبت جوینده، یابنده بود (مولوی)

خوشبختانه، یک جلد متن دری این اثر را از محترم سر محقق خیر محمد حیدری در کابل دریافت نمودم. برای مدتی آنرا مطالعه نمودم. چون نسخه قلمی بود، خواستم متن آنرا تایپ و درج کمپیوتر نمایم و در دسترس علاقمندان و پژوهشگران تازه نفس قرار دهم. برای بار نخست، صرف فصل اول آنرا که در مورد زبان شغنایی است، تایپ نموده ام. باید خاطر نشان ساخت که نه تنها مستقیماً این اثر را تایپ نمودم، بلکه در قسمت توضیح واژه ها و اصطلاحات، و ویرایش بعضی کلمات، و حتی سعی ورزیدم تا در قسمت شیوا نویسی متن، هم اقدام نمایم.

چون این اثر در سال ۱۳۶۶ به طبع رسیده، و در همان زمان مترجم اعتراف نموده که برای بعضی اصطلاحات روسی، معادل آنرا در زبان دری نیافته، یا عین اصطلاح را هم به دری نوشته و یا اینکه معادل آنها را به زبان های انگلیسی و عربی نوشته است.

پوهاند محمد رحیم الهام و عبد الرحمان پهوال در تقریظ اثر ترجمه شده، نوشته اند که:

« تا جایکه سخن به ترجمه اثر ارتباط می گیرد، باید گفت که محترم سلیمان دوست این اثر را با مختصات ذیل ترجمه کرده است:

۱. کتاب مذکور را از صفحه (۹) تا (۱۶۰) بدون کمی و کاستی ترجمه نموده است.
۲. اصل امانت در ترجمه رعایت گردیده است.
۳. ترجمه موضوعات متن اصلی را به درستی و بلاغت افاده می کند.
۴. ترجمه دقیق و به زبان علمی است و اصطلاحات معادل روسی در ترجمه با دقت انتخاب شده است.

اصطلاحاتی که معادل آن در زبان دری میسر نبوده همان اصطلاح علمی زبان اصلی آن بکار برده شده که قابل پذیرش است و متباقی اصطلاحات معمول در زبان دری میباشند.»

بر خلاف نظر پوهاند الهام در مورد این اثر (اگر چه با زبان روسی بلدیت ندارم، ولی زمانی که متن اثر ترجمه شده را مرور کردم)، در آن کمی و کاستی های وافری را به مشاهده نشستم. از جمله، متن چند بندی (پارا گراف) را مرور نمودم در متن اصلی موضوعاتی وجود دارند که در ترجمه نا دیده گرفته شده اند. یا مترجم از آنها صرف نظر نموده، و یا، از قلم مستنسخ افتاده اند.

مترجم جملاتی را ترجمه نموده که با معنای متن اصلی سازگاری ندارند. من در ترجمه جملات شغنایی به دری بیشتر متوجه شدم، که نواقصی در ترجمه وجود دارد. در این مورد بر سلیمان دوست خرده نمی گیرم؛ زیرا که اثر شان « ترجمه ترجمه » می باشد. یعنی، آن جملات شغنایی (بشمول روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، و سریقولی) را پاخالینه در متن اثرش آورده و آنها را به روسی ترجمه نموده است. سلیمان دوست همان جملات را از روسی به دری برگردان نموده است، که بعضی از آنها با معنای اصلی سازگاری ندارند. حالا در اینجا دو نظر وجود دارد: یا پاخالینه آن جملات را در روسی سوء تعبیر نموده، و یا سلیمان دوست، متن روسی را سوء تعبیر نموده است. از اینکه من روسی را بلد نیستم، به ترجمه جملات از شغنایی – روشانی (به شمول همه لهجه ها) به دری توجه خویش را معطوف نمودم، تا ترجمه متن را شیوا تر و نزدیک به معنای اصلی جمله، ویرایش کنم. طور مثال: در جمله ای از لهجه سریقولی مثال آورده است که: *yam ta razén-ik ыč eubin пытууд* (یم تَ رَزَنیک نیچ اهیبن نی میُد). این جمله در دری ترجمه شده که: این دختر تو بد اخلاق است. در حالی که متن اصلی این معنی نمی رساند. در متن اصلی سریقولی: « اهیبن » معنای « عیب دار » و یا « گناهگار » را میدهد. من ترجمه این جمله را چنین ویرایش نمودم: این دختر تو عیب دار معلوم میشود.

هچنان در قسمت انتخات بعضی از اسامی مکان و صفات نسبتی هم ویرایش صورت گرفت. مثلاً: در متن ترجمه آمده بود که: « شغنایی، وخی، منجی » که در متن اصلی روسی « شغنایی، واخانی، و منجانی » بود. بناءً، این صفات نسبتی را بطور « شغنایی، واخانی، و منجانی » ویرایش نمودم. زیرا که شغنایی، واخانی، و منجانی، منسوب به شغنان، واخان، و منجان است.

در قسمت بعضی اسم ها هم ویرایش صورت گرفت. نام اسامی را که پاخالینه به روسی نوشته و سلیمان دوست هم آنها را از روسی برگردان نموده با اصل تلفظ این اسامی مطابقت نداشت. مثلاً: باجوی، بارتنگی، اروشوری، سرقولی، گونته، شاه – داری، بارتنگه، تونگه، که چنین ویرایش شدند:

بَجو (baju) نام قریه ای است بین شغنان و روشن تاجیکستان که زبان شان شغنانی است ولی لهجه مخصوص خود را دارند. و این لهجه منسوب به همان قریه « بجو »؛ یعنی « بجویی » می باشد، نه « باجوی ».

بارتنگی که اصلاً « بر تنگ » است که نام یک وادی است در ناحیه روشن تاجیکستان که دریای « قومر » ( به شغنانی قُو مَهر، و روشانی قُمَهر ) از بین آن میگذرد. در شغنانی « بهر تنگ، و بهر تنگ » به معنای « تنگ پایان » است. بنابراین، بارتنگه را به « بر تنگ » و بارتنگی را به « بر تنگی » ویرایش نمودم. بالا تر از وادی بر تنگ، در نزدیکی جهیل سریز و نزدیک با مردم قرغیز، قریه دیگری وجود دارد بنام « را شَر و » که به شغنانی میشود « راشهرف » که لهجه آنها میشود « راشهرفی » و یا « آرشاری » که در متن ترجمه « اروشوری » آمده بود.

سرقول، و سرقولی هم به « سریقول » و « سریقولی » ویرایش یافتند. گونته به « غند »، شاه – داری به « شاخ دره »، و تونگه، که محلی در سریقول سینزیان چین است، به « تونگ » ویرایش یافتند.

ابتکار دیگری که صورت گرفت، در مقابل متن آوا نگاری در بین قوسین، تلفظ آنها با الفبای شغنانی که فعلاً بیشتر نویسندگان شغنانی از آن در نوشته های خود بکار میبرند، نوشته شد. این کار بخاطری صورت گرفت که بیشتر خوانندگان با الفبای آوانگاری (فونتیک) بلدیت ندارند، می توانند بطور آسان متن را مرور کنند. اما این هم بدور از مشکل نخواهد بود. زیرا که برای بیشتر از واکه ها (مصوت ها) تا کنون نویسه انتخاب نشده، و یا نویسه هایی هم اگر انتخاب شده اند، صرف برای لهجه شغنانی انتخاب شده و نمی توان یک نویسه را در سایر لهجه های گروه زبانهای شغنانی – روشانی (شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آرشاری، و سریقولی) بکار برد. زیرا که در مقابل آوا های مصوت کوتاه، کشیده، و دفتانگ در لهجه شغنانی، آوا های اضافی دیگر در لهجه های آرشوری و سریقولی وجود دارند که بعضی ها نسبتاً کوتاه و بعضی خیلی طویل هستند که نمی توان با الفبای شغنانی تمام این آوا ها را نشان داد. مثلاً در زبان شغنانی:

yā nōst (یه ناست = او « زن » نشست) که در لهجه برتنگی میشود: yā nōst (یه ناست = او « مرد نشست. ( که در شغنانی ضمیر « یه » برای مؤنث و در روشانی و برتنگی برای « مذکر » اشاره دارد). اگر دقت شود از نقطه نظر فونتیک آوای « آ » در واژه « ناست » به دوگونه نشان داده شده است « ö » و « õ », که « ö » کاملن طویل و کشیده نسبت به « õ » است که با الفبای عربی هر دو با علامت « ا » نوشته شده اند که ناقص است.

همچنان در لهجه سریقولی آوایی است که در زبان واخانی، قرغیزی و اویغوری و ترکی، و روسی هم وجود دارد که عبارت از آوای « Ы » است که در عربی، دری، و یا شغنانی معادل آن وجود ندارد و آوایی است شبیه به « ی » که فارسی زبانان آنرا به شکل « ئی » می نویسند.

مثلاً در واژه های شغنانی: «  $\hat{s}i\bar{g}$  = شیگ »، روشانی: «  $\hat{s}og$  = شُگ »، برتنگی: «  $\hat{s}ög$  = شاگ »، که معنای « گوساله » را میدهد، تفاوت آوایی را صرف در واکه ها نشان میدهد. در اینجا، علامت «  $\bar{i}$  » واکه کشیده «  $ee$  = ی »، و علامت «  $o$  » آوای ضمه کوتاه را می دهد. بخاطری که ضمه عادی با علامت «  $u$  » نشان داده میشود. و علامت «  $\bar{o}$  » نماینده آوای طویل «  $\bar{a}$  » است، در صورتی که واکه عادی «  $\bar{a}$  » با علامت «  $\bar{o}$  » نشان داده می شود.

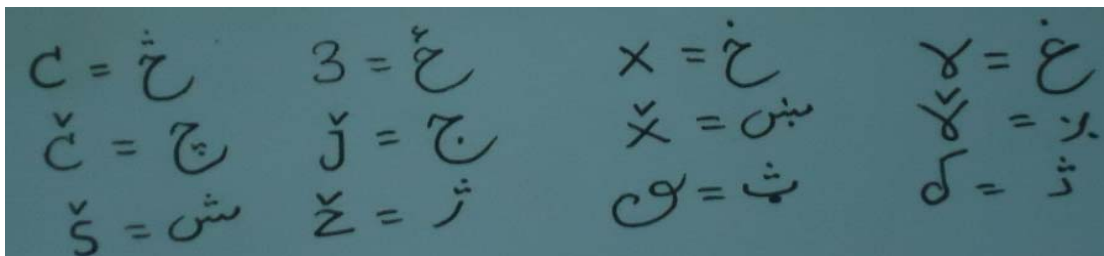
ویا:

شغنانی «  $xitur$  = بنتر »، روشانی: «  $uxtur$  = اُنتر »، برتنگی: «  $axtur$  = اُنتر »، و سریقولی: «  $xytyr$  = بنیتیر » که معنای « شتر، اشتر » را می دهد، نمی توان آنها را با الفبای شغنانی یکسان نوشت. بنابر این، ضرورت به نظر میرسد تا از علامت های ضمه، فتحه، و کسره کار گرفته شود، تا با الفبایی که نوشته می شوند، از تلفظ درست این لهجه ها نمایندگی کرده بتواند. در این اثر برای نشان دادن آوای «  $yi$  = ئی » از نویسه « یای علامه دار » /  $\bar{y}$  / استفاده نمودم.

از سوی دیگر، مطالعه و بررسی این زبانها که توسط پاخالینه صورت گرفته، بر می گردد به نیم قرن قبل که بعد از پنجاه سال، مطالعات گسترده در قسمت زبانشناسی صورت گرفته است و اصطلاحات جدیدی به آن افزود شده است. بنابر این، بعضی از اصطلاحات بکار رفته در اثر ترجمه شده به اصطلاحات معیاری پذیرفته رایج، تغییر و ویرایش یافتند. از قبیل: واژه های کانسوننت، اول، پرفکت، و غیره به « همخوان، واکه، و ماضی نقلی » تغییر داده شدند. در بعضی موارد، صرف بخاطر وضاحت، واژه های مترادف و یا جدید در بین گروه [ ... ] نوشته شدند، و یا بخاطر تشریح بیشتر در پاورقی نوشته شدند.

در قسمت انتخاب الفبای فونتیک، برای این زبان ها، تا حدی کوشش شد، تا اصل امانت داری حفظ شود، و تا حدی از عین الفبای فونتیک منتخب پاخالینه استفاده شود، صرف در موارد محدود که بعضی از نماد ها درج کمپیوتر نبودند، از نماد های مشابه و یا نماد معیاری پذیرفته شده بین المللی کار گرفته شد.

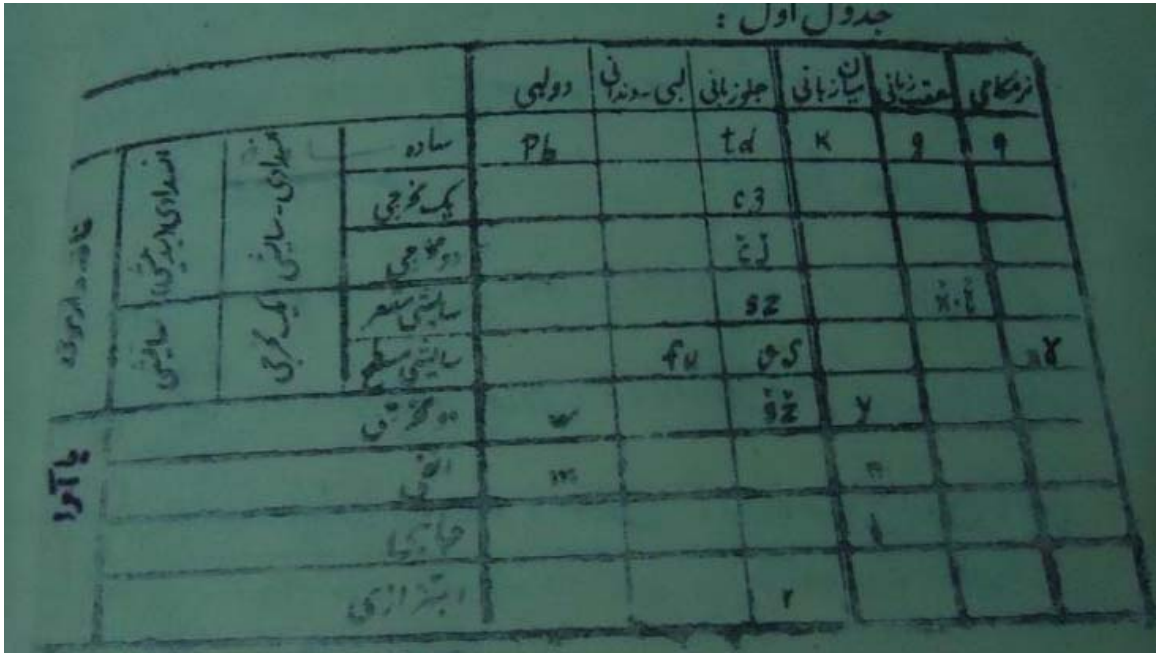
پاخالینه، از نماد های زیر برای آوایی خاص زبان های گروه شغنانی – روشانی وضع نموده است.



همچنان، در قسم ترتیب جدول ها هم باز نگری صورت گرفت. چون زبان دری از راست به چپ نوشته می شود، باید جریان تشریح جدول ها هم از راست به طرف چپ باشد، ولی مترجم جدول ها را تغییر شکل نداده و صرف واژه های داخل سلول جدول ها را ترجمه نموده است. و این هم یک مشکل در قسمت

خواندن جدول ها بود که به دری ترجمه شده بودند، ولی هنوز خواننده مجبور بود آنها را از چپ بر راست بخواند. فارمت و شکل جدول ها هم از راست به چپ تغییر داده شد. بمثال زیر ترجمه شود

شکل این جدول از چپ به راست قسم زیر تغییر داده شد.



نوع کلمه	عقب زبانی	میان زبانی	جلو زبانی	بی - دندانی	دوبلی	فائق هارمونی	
q	g	k	t d		p b	انسدادی - سایشی	انسدادی (بندشی)
			c ʒ				
			č ĵ				
	x ɣ		s z			یک مخرجی	سایشی
χ ʁ			θ ð	f v			
		y	ʃ ʒ		w	دو مخرجی	
		n			m	انفی	
		l				جانبی	
			r			اهتزازی	

امید وارم که در آینده افراد و اشخاص با تجربه تر در این راستا گام بردارند، و متن روسی و دری اثر پاخالینه را مورد مذاقه بیشتر قرار دهند تا ترجمه اصولی را از آن ارائه دهند تا برای نسل های آینده ممد واقع گردد.

در آخر از دکتور نور علی دوست و سر محقق خیر محمد حیدری ابراز سپاس می نمایم که متون روسی و دری این اثر را در اختیار من قرار دادند، و کوشش نمودم تا آنرا در دسترس همگان قرار دهم تا شایقین علم زبانشاسی بویژه متکلمین زبان های پامیری و دیگر محققین زبان های پامیری در افغانستان و دیگر جاها از آن بهره مند گردند.

به امید همکاری های بیشتر دوستان پژوهشگر و دانشمند در این زمینه.

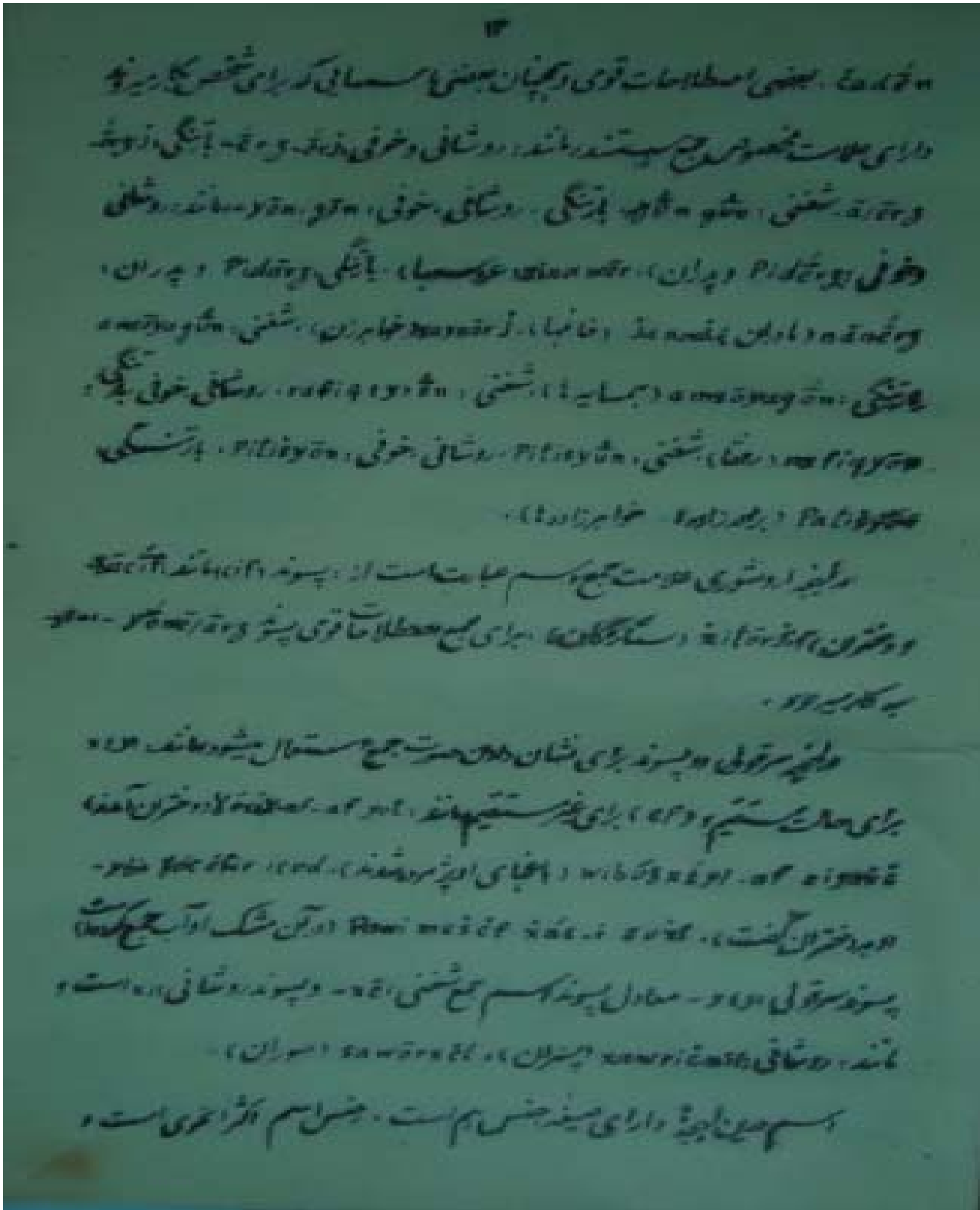
با کمال احترام

نوروز علی ثابتی

فیض آباد، بدخشان، افغانستان،

ثور، ۱۳۹۲

نمونه ترجمه دستنویس زبانهای پامیری





## مقدمه مترجم

هدف اصلی ترجمه اثر « زبانهای پامیری» از ت. ن. پاخالینه آشنایی علاقمندان زبانشناسی با زبانهای پامیری می باشد.

از آنجایی که هنوز در افغانستان درباره زبانهای پامیری تحقیق صورت نگرفته و همچنان منابع کافی برای تحقیق مستقیم این زبانها وجود ندارد، بنابراین در قدم اول به ترجمه و نشر آثار دانشمندان زبانشناس درباره این زبانها ضرورت مبرم احساس میشود. بدین لحاظ به ترجمه دری اثر پاخالینه بنام « زبانهای پامیری» اهتمام بعمل آمد.

یک عده زبانشناسان خارجی راجع به زبانهای پامیری در نواحی پامیر تحقیقات مفید انجام داده و آثار گرانبهایی به علاقمندان پیشکش نموده اند. مثلاً عبدالرحیم دانشمند سده نوزدهم هندوستان، فرهنگ زبان واخانی را تدوین کرده است. بیدولف هم بنوبه خود اثری تحت عنوان « قبایل هندوکش » به نشر رسانیده است. همچنان تحقیقات گایگر آلمانی درباره زبانهای پامیری قابل یاد آوری می باشد. زبانشناس معروف و مشهور ناروی، مارگین سترن و ده ها دانشمند و زبانشناس دیگر نیز آثار غنی در باره مفاضات پامیر از خود باقی گذاشته اند.

تحقیقات همه جانبه و سیستماتیک راجع به زبانهای پامیری در اتحاد شوروی [وقت] صورت گرفته و این پروسه جریان دارد. زبانشناسان مشهور از قبیل زاروبین، ساکال اوّه، و پاخالینه از پژوهشگران خوب این زبانها بشمار میروند.

اثر ترجمه شده از ت. ن. پاخالینه در سال ۱۹۶۹ میلادی در مسکو بچاپ رسیده است. این اثر بزبان روسی نگاشته شده و به اساس زبانشناسی تشریحی زبانهای پامیری تشریح شده و مولف اثر خود را با استفاده از آثار متقدمین و تحقیقات مشخص خود نوشته است. در این اثر، دستور واژه شناسی زبانهای پامیری (گروه زبانهای شغنانی – روشانی، زبان یزغلامی، زبان واخانی، زبان اشکاشمی، و زبان منجانی) بصورت مختصر تشریح شده است. تمام قسمت های این اثر به اساس یک پلان واحد و عمومی به رشته تحریر در آورده شده و در هر حصه هر زبان بصورت سیستماتیک مطالعه و تحقیق صورت گرفته است. هر فصل آن که در باره یکی از این زبانها است، حاوی معلومات عمومی فونتیک، صرف، نحو، و واژه ها می باشد.

در ترجمه این اثر حد اکثر کوشیده شده که با رعایت امانت داری، ترجمه آزاد علمی صورت گیرد و ترجمه دری آن شیوا و روان باشد. یعنی ترجمه این اثر با در نظر داشت اساسات تیوری ترجمه صورت گرفته است و حد اکثر کوشیده شده که اصول و قواعد زبان دری رعایت و اثر ترجمه شده آن طوری که هست به خواننده تقدیم شود؛ زیرا اصول، میتود و تیوری ترجمه ایجاب می کند که محتوای اثر صد در صد حفظ و سبک و اسلوب اثر حد اکثر مراعات شود.

در ترجمه این اثر، بویژه در ترجمه اصطلاحات مشکلاتی موجود بود که در این قسمت مترجم کوشیده تا معادل دری هر اصطلاح را بکار ببرد، ولی در بعضی موارد معادل دری بعضی از اصطلاحات مروجه زبان روسی وجود نداشت و یا چند اصطلاح روسی در زبان دری یک معادل دارند و یا بر عکس آن. همچنان معادل دری بعضی اصطلاحات روسی با در نظر داشت مقاصد معنا صد در صد با هم مطابقت ندارند. بنا براین، مترجم در بعضی موارد، اصطلاحات بین المللی را هم بکار برده است. همچنان در بعضی جاها، اصطلاحات نو وضع شده است.

در پایان این مقدمه وظیفه خود می دانم از رهنمایی ها و مشوره های علمی کاندید اکادمیسین دوکتور محمد یعقوب واحدی که در موارد مختلفه ابراز کرده اند، سپاس گذاری نمایم. و همچنان از دانشمند محترم کاندید اکادمیسین محمد رحیم الهام که در ترجمه این اثر مشوره های لازم به من داده و از هیچ نوع کمک بویژه در وضع معادل های دری بعضی اصطلاحات دریغ ننموده اند، از صمیم قلب سپاسگزار می باشم.

ماه گل سلیمان دوست

کابل ۱۳۶۲

## پیشگفتار مؤلف

زبانهای پامیری در زبانشناسی به زبانهای مضافات پامیر اطلاق میگردد و این زبانها به گروه آریانی زبانهای هندواروپایی مربوط است. زبانهای پامیری عبارت است از گروه زبانهای شغنایی و روشانی که (چندین زبان و لهجه های باهم نزدیک را در بر میگیرد)، یزغلامی، واخی، اشکاشمی و غیره. همچنان زبان منجی هم بزبانهای پامیری ارتباط دارد. ( به عقیده گ. گریسون و گ. مارگین سترن): ولی همه دانشمندان به این عقیده نیستند از قبیل: (رگوتو ی. ی. زاروبین) زاروبین وقتی که نزدیک دریای ونج مربوط پنج (قسمت شمالی ولایت خود مختار کوهستان بدخشان تاجیکستان) زندگی میکرد، در سال ۱۹۲۴ میلادی در مقاله تحت عنوان « در باره فهرست زبانهای پامیری » زیاد تر از (۳۰) واژه یک زبان دیگر پامیری بنام ونجی را آورده است. همچنان زبان سریقولی که در چین مروج است، هم مربوط به شاخه زبانهای پامیری می باشد.

بزبانهای پامیری هم در خارج شوروی و هم در خاک شوروی تکلم می شود. (زبان یزغلامی تنها در اتحاد شوروی و زبان منجی تنها در افغانستان مروج است).

زبانهای پامیری از جمله زبانهای اقوام و قبایل کوچک بشمار میروند. نمایندگان [گویندگان] گروه زبانهای شغنایی و روشانی و زبان واخی بیشتر اند. متکلمین گروه لهجه های شغنایی و روشانی به سی هزار الی چهل هزار، واخی به پانزده تا بیست هزار نفر میرسد و تقریباً سه هزار نفر به سایر زبانهای پامیری سخن میرانند.

زبانهای پامیری رسم الخط مشخص ندارند. در سال های ۱۹۳۰ میلادی کوشش برای ایجاد رسم الخط زبان شغنایی صورت گرفت، مگر به نتیجه ای نرسید. فعلاً مردم پامیر اتحاد شوروی به زبان تاجیکی و سریقولی های جمهوریت توده ای چین به زبان اویغوری تدریس میشوند. زبانهای پامیری بین خود به اندازه ای متفاوت اند که گویندگان آنها سخن یکدیگر را فهمیده نمی توانند. پامیری ها برای تفاهم زبان تاجیکی و یا دری را (در اتحاد شوروی و افغانستان) و یا اویغوری را در چین بکار می برند.

با آنکه فرق زیاد بین زبانهای پامیری وجود دارد، اما این زبانها با ویژه گی های عمومی ای که دارند در یک ردیف در برابر دیگر زبانها آریانی شرقی و عموماً آریانی قرار دارند. در بخش فونتیک، فونیم های دندانی / θ = ت / و / δ = ڈ / و آوا های عقب زبانی / x = بن / و / ɣ = ر / (به استثنای زبانهای اشکاشمی و منجی) از ویژه گی های این زبانها به شمار میرود. در بخش صرف زبانهای پامیری سیستم ضمائر با هم مشابه اند (بویژه ضمیر شخصی و اشاره)، افعال و همچنان بسیاری از واژه ها هم در این زبانها مشترک است.

اثر حاضر حاوی شرح زبانهای پامیری بصورت جداگانه میباشد، برای آسانی کار مقایسه و شرح در یک پلان واحد داده شده است. در شروع هر رساله تشریح عمومی راجع به زبان مذکور، محل تکلم، تعداد متکلمین و تاریخچه مطالعه آن آمده است. بعداً ویژه گی های فونتیک، مورفولوژیکی، بصورت فشرده درباره نحو و واژه های هر زبان معلومات ارائه شده و در پایان هر رساله برای مقایسه این زبانها

یک متن در همه زبانهای مذکور با ترجمه آورده شده است. این تنها از کتاب س. و. ساکال اوه « رساله هایی در باره آوا شناسی زبانهای پامیری » اقتباس گردیده است. چون رساله ساکال اوه متن سریقولی و منجانی را نداشت، بنا برآن متن سریقولی آن در سریقول ثبت گردیده و متن منجانی آن از اثر ی. ی. زاروبین « درباره ارزیابی زبان منجانی » گرفته شده است.

تمام مواد به ترانسکرپشن فونتیکی [ الفبای آوا نگاری ] نگاشته شده و چون این زبانها تا حال رسم الخط ندارند، از همین سبب از ترانسکرپشن بین المللی به اساس حروف لاتین انتخاب گردیده است.

## تقریظ

کتاب زبانهای پامیری، تألیف پاخالینه دانشمند اتحاد جماهیر شوروی ترجمه محقق ماه گل سلیمان دوست کارمند علمی بخش زبانشناسی انستیتوت زبان و ادبیات پینتو را مطالعه و بررسی کردیم.

این اثر حاوی یک مقدمه و یک پیشگفتار بوده و درباره خصوصیات گرامری و فونتیکی زبانهای پامیری معلومات مفید ارائه میدارد که برای دانشمندان پژوهشگر و زبانشناسان خیلی سودمند و قابل استفاده است. تا جایکه سخن به ترجمه اثر ارتباط می گیرد، باید گفت که محترم سلیمان دوست این اثر را با مختصات ذیل ترجمه کرده است:

۵. کتاب مذکور را از صفحه (۹) تا (۱۶۰) بدون کمی و کاستی ترجمه نموده است.

۶. اصل امانت در ترجمه رعایت گردیده است.

۷. ترجمه موضوعات متن اصلی را به درستی و بلاغت افاده می کند.

۸. ترجمه دقیق و به زبان علمی است و اصطلاحات معادل روسی در ترجمه با دقت انتخاب شده است.

اصطلاحاتی که معادل آن در زبان دری میسر نبوده همان اصطلاح علمی زبان اصلی آن بکار برده شده که قابل پذیرش است و متباقی اصطلاحات معمول در زبان دری میباشند.

در اخیر کتاب مأخذ و مدارک اثر اصلی نیز علاوه گردیده است.

بنا بر اتکا به نکات فوق، اثر « زبانهای پامیری » را مفید و ارزشمند دانسته و چاپ آنرا برای استفاده پژوهشگران و دوستداران علم و معرفت، کار ارجمند میدانیم.

- کاندید اکادمیسین پوهاند محمد رحیم الهام

- عبد الرحمان پهوال

## فصل اول

### گروه زبانهای شغنانی – روشانی

گروه زبانهای شغنانی – روشانی، زبانها و لهجه های ذیل را در بر میگیرد: شغنانی (بشمول لهجه بجویی)، روشانی (بشمول لهجه خوفی، برتنگی، و آراشاری) و سریقولی. تمام این زبانها به استثنای سریقولی، در اتحاد شوروی ولایت خود مختار کوهستان بدخشان تاجیکستان، سواحل دریای پنج، گونته [غُند]، شاه – داری [شاه دره = شاخ دره] و بارتنگه [برتنگ] مروج است. بزبان شغنانی و روشانی در بدخشان افغانستان هم تکلم میشود. زبان سریقولی در نواحی جمهوری خود مختار سینزیان – اویغور چین معمول است.

نزدیکی این زبانها و لهجه ها به اندازه ای است که گویندگان آنها سخن یکدیگر را می فهمند. این بدین معنی است که شغنانی، روشانی، برتنگی، آراشاری ظاهراً لهجه های مختلف یک زبان بشمار میروند، مگر از نگاه اتنیکی [قومیت] درست نیست، زیرا این زبانها کدام ریشه مشترک ندارند و لهجه های مختلف یک زبان نیستند، تمام اینها مستقل میباشند. زبان سریقولی از دیگر زبانهای این گروه متفاوت و مستقل تر است؛ زیرا زبان سریقولی در نتیجه نداشتن ارتباط نزدیک با دیگر زبانهای این گروه در مدت چند قرن بحال طبیعی خود مانده است.

تحقیق و مطالعه علمی گروه زبانهای شغنانی – روشانی را اکادمیسین ک. گ. زالیمان در اواخر قرن نوزدهم میلادی بنیاد گذاشته است. در [سال] ۱۸۹۵ میلادی اثر او بنام «فرهنگ شغنانی. د. ل. ایوانوف» که نتایج تحلیل و مطالعه مواد جمع آوری شده اش توسط ایوانف سیاح را در بر میگرفت، از چاپ بر آمد. این اثر مختصری از دستور [زبان] و جدول افعال را نیز شامل است.

زالیمان در این اثر بعضی مواد راجع به زبان سریقولی و شغنانی را از اثر ر. شاو هم اقتباس نموده است.

در سال ۱۹۰۸ میلادی، و. ب. تومانویچ با نوشتن گرامر تطبیقی و محاوروی لهجه شغنانی تحقیقات لهجه شغنانی را مکمل تر ساخت.

مطالعات و تحقیقات سیستماتیک گروه زبانهای شغنانی – روشانی مانند دیگر زبانهای پامیری توسط ی. ی. زاروبین آغاز شده است. زاروبین از سال ۱۹۱۴ میلادی به بعد چندین مرتبه به پامیر سفر نموده و موادی که جمع آوری نموده، از نگاه درست بودن خود بسیار مهم میباشد.

زاروبین از جمله اولین آریانا شناسانی است که دقت و توجه فراوانی را در مطالعه صوتی این زبانها با در نظر داشت روش صوت شناسی [آوا شناسی] داشت. در نتیجه این مواد زبانشناسی که طبع آن از سال ۱۹۲۴ میلادی شروع شده، ذخیره مطمئن و امید بخش می باشد.

زاروبین از جمله تمام زبانهای این گروه، بیشتر بزبان شغنانی توجه داشت. اجزای فونولوژیکی [واجشناسی]، دستور زبان و فرهنگ زبان شغنانی به وسیله او نوشته شده اند. او همچنان در تشخیص فونولوژیکی بخش های معلق تحقیق نموده و معلومات مختصر در قسمت دستور و واژه های دیگر زبانها و لهجه های این گروه ارائه کرده است.

در آثار ی. ی. زاوربین از گروه زبانهای شغنانی - روشانی، تنها یک لهجه بنام خوفی (اگر زبان خارجی<sup>۱</sup> سریقولی حساب نشود) مورد تحقیق و مطالعه قرار نگرفته است. لهجه خوفی بعداً توسط س. و. ساکال اوه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت. رساله او در سال ۱۹۵۹ میلادی بنام «متن و فرهنگ زبانهای روشانی و خوفی» به نشر رسید.

مگر مطالعه و تحقیق گروه زبانهای شغنانی - روشانی خصوصاً قسمت صوت شناسی آنها بصورت اساسی توسط ساکال اوه آغاز شده است. وی برای نخستین بار در تحقیقات راجع به اصوات [آوا های] این زبانها از روش میتود تجربوی استفاده نمود. ساکال اوه در ۱۹۵۹ میلادی مقاله ای تحت عنوان «متن و فرهنگ زبانهای روشانی و خوفی» نشر کرد. همچنان در سال ۱۹۵۹، مقاله دیگرش بنام «متن و فرهنگ برتنگی» به نشر رسید. دیگر اینکه ساکال اوه تصنیف زبانهای شغنانی و روشانی را هم تصحیح کرده است. چندی قبل رساله دیگرش بنام «گروه زبانهای شغنانی و روشانی» که برای تحقیقات دسته جمعی «زبانهای مردم اتحاد شوروی» نوشته شده بود، از چاپ بر آمد.

در سال ۱۹۶۷ میلادی، اثر دیگری از ساکال اوه تحت عنوان «رابطه اتنیکی زبان یزغلامی با گروه زبان های شغنانی» انتشار یافت.

چند متن روشانی توسط آ. ک. پسپارچیک در سال ۱۹۵۴ میلادی از چاپ بر آمد. از سال ۱۹۶۰ میلادی بدینسو، نگارنده این اثر<sup>۲</sup> چندین رساله در باره زبان سریقولی نوشته و زبان سریقولی بصورت همه جانبه در همین اثر موجود مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است که شامل صوت شناسی، دستور زبان، متن با ترجمه آن می باشد. این اثر در سال ۱۹۶۶ میلادی چاپ شده است.

همچنان فرهنگ سریقولی به روسی (با فهرست روسی به سریقولی) آماده چاپ می باشد.

در این اواخر، سه رساله نامزدی علوم راجع به زبانهای مختلف این گروه توسط اهل خود این زبانها، ر. خ. داد خدایف «فونتیک تاریخی زبان شغنانی (سیستم همخوان ها)»، د. کرمشایف «لهجه بجویی زبان شغنانی»، فیضوف «زبان شغنانی های اتحاد شوروی»، ن. کرمخدایف «زبان برتنگی»، نوشته و دفاع شده است. فعلاً، کرمشایف کار «فرهنگ زبان شغنانی»، فیضوف «فرهنگ روشانی»، و کرمخدایف «فرهنگ برتنگی» را روی دست گرفته اند.

<sup>۱</sup> هدف پاخالینه از زبان خارجی سریقولی آنست که این زبان خارج از محدوده شوروی وقت، یعنی در چین تکلم گردیده است. - ویراستار

<sup>۲</sup> هدف از پاخالینه است. ویراستار

در سال ۱۹۶۴ میلادی، ر. خ. داد خداییف، در چهارمین کنفرانس سرتاسری زبانهای آریایی در تاشکند، مقاله ای تحت عنوان « انعکاس بعضی واول های [واکه های ] زبان کهن آریائی در شغنائی » (ترز) پیشکش نمود. مسایل لهجه های زبان شغنائی در پنجمین کنفرانس در مقاله کرمشایف گنجانیده شده بود.

در این رساله دست داشته، گروه زبانهای شغنائی – روشانی، بصورت مختصر با ویژگی های سیستم فونولوژیکی [آوا شناسی]، مورفولوژی [واژک شناسی و یا صرف] آنها تصریح شده است. راجع به نحو و واژه های این زبانها و برای توضیح حتی المقذور جدول آورده شده است.

## فونتیک (آوا شناسی)

سیستم واول ها [واکه ها]:

در تمام زبانهای این گروه به استثنای سریقولی، واول ها نظر به کوتاه بودن و یا طویل بودن خود مقابل یکدیگر قرار دارند. در جدول ذیل فونیم های واول لهجه های این گروه دیده میشود.



## تبصره:

خطوط نقطه ای معنای مطابقت را تنها در حالت ماقبل فونیم های انفی [ آوا های دماغی ] نشان می دهند.

قسمی که از جدول معلوم میشود، در زبان شغنانی هفت واول طویل بمقابل سه واول کوتاه، در روشانی شش واول طویل به مقابل چهار واول کوتاه، در خوفی شش واول طویل به مقابل پنج واول کوتاه، در برتنگی – آراشاری شش واول طویل به مقابل سه واول کوتاه قرار دارند.

واول های طویل [ واکه های کشیده ] از نگاه کیفیت پایداری، ثبات و تشنج صدا در تمام حالات فونتیکی از هم فرق میشوند.

واول های کوتاه /u/ و /i/ در تمام لهجه ها، فونیم های بالایی می باشند. تغییر /i/ وابسته بحالت فونتیکی از /i/ به /ε/ و تغییر /u/ از « u » به « ō » امکان پذیر است. یعنی واول های کوتاه ( i و u)، در هر لهجه این گروه زبانها نه تنها به مقابل یک فونیم طویل / ō /، بلکه بمقابل تمام فونیم های طویل قرار دارند. و گاهی یکی به یکی و گاهی نظر به ویژگی خود به همدیگر خود نزدیک میشوند. واول کوتاه /a/ نظر به خواص خود البته به استثنای لهجه آراشاری بمقابل /ā/ قرار دارد، ولی (به استثنای آراشاری) از هم کمی فرق دارند. در لهجه آراشاری، واول کوتاه /a/، حین تلفظ زیاد تر در قسمت جلو تولید می شود. واول کوتاه لهجه روشانی نسبت به دیگر واولها کوتاه دراز تر و خاصیت پایدار تر دارد.

(نوع « ɔ ») واول کوتاه /o/ و /æ/ خوفی دفتانگ /ö/ و /æ/ است.

مثال های مطابقت:

شغنانی	روشانی	خوفی	برتنگی - آراشاری	ترجمه به دری
čīd (چید)	čod (چُد)	čod (چُد)	čöd	خانه
pīc (پیخ)	pēc (پیخ)	pæc (پهخ)	pēc (پیخ)	روی (صورت)
pīnɜ (پینخ)	pīnɜ (پینخ)	pinɜ (پنخ)	pīnɜ (پینخ)	پنج
čūd (چود)	čīg (چِگ)	čig (چِگ)	čēg (چِگ)	کرد
mēθ (مپث)	mīθ (مپث)	mīθ (مپث)	mīθ (مپث)	روز
čēmt (چپمت)	čēmt (چپمت)	čēmt (چپمت)	čēmt (چپمت)	می خواهد
vērɜ (فهرخ)	vērɜ (فهرخ)	vērɜ (فهرخ)	vērɜ (فهرخ)	مادیان
tēr (تِهر)	tēr (تِهر)	tēr (تِهر)	tōr (تار)	سیاه

برادر	virōd (فَراد)	virōd (فَراد)	virōd (فَراد)	virōd (فَراد)
گلوله ، تیر ، مرمی	pōθ (پاٚٚ)	pūθ (پوٚٚ)	pūθ (پوٚٚ)	pōθ (پاٚٚ)
شام	xōm (بِنام)	xōm (بِنام)	xōm (بِنام)	xūm (بِنوم)
روزن	rūz (روز)	rūz (روز)	rūz (روز)	rūz (رُوز)

واول های / ū / ، / ā / ، / a / ، / u / و / i / در تمام لهجه ها بطور عادی با یکدیگر مطابقت دارند و اگر کدام وقفه (اخلال، مکث) در این مطابقت دیده میشود، قاعده شمرده نمی شود.

راجع به سیستم واول های سریقولی باید گفت که کوتاه بودن و طویل بودن واول تقریباً از بین رفته است (همچنان در لهجه بعضی مردم اویغور هم از بین رفته است). ولی در کلام آنها فرق واول های پایدار (a, u, o, e) و غیر پایدار (i و y) مهم است. مگر بقول یک محقق هنوز هم در یک دهکده سریقول بنام «تونگ»، مردم آن بسیار بطی و کشیده حرف میزنند. از این معلوم میشود که هنوز هم در بعضی جاها، واول های کوتاه و طویل وجود دارد.

اجزای سیستم واول های سریقولی قرار ذیل است: i, e – واول های جلوی، مانند: piz (پیخ = خزان)، pez (پیخ = پیز)، اصل حال peɣt (پهخت = نان پختن، جوشاندن). o, u: واول های عقبی؛ مانند:

duδ (دوٚٚ = مانند)، doδ (دُٚٚ = آنها)؛ a, ə – واول های مختلط، مانند:

baɣmɔɣj (بیر میرج = پنهان شدن)، baɣməɣj (بیر میرج = مسکه تازه)، naδm (گودال).

همچنان دفتانگ های εw و εy، جزء اول آنها واول ناگرد، جلوی، میانی (آمیزش ε با y و w قید نشده است)؛ مانند:

dεɣr (دبیر = آخرین)، nεym (نپیم = نیم، نصف)، dεwr (دپور = شکم)، wεwl (غبول = گوش دار، بشنو).

/e/ سریقولی، اکثر اوقات با /i/ شغنائی، /o/ و /ē/ روشانی، و /ō/ و /ē/ برتنگی معادل است.

مگر /o/ سریقولی، با /ā/ تمام لهجه های این گروپ زبانها و یا با /ε/ شغنائی، /ē/ روشانی و خوفی، و /ō/ برتنگی معادل می باشد. [ آوای ] /u/ سریقولی معمولاً معادل /ō/ تمام لهجه های این گروپ زبانها می باشد. y سریقولی معادل /u/ کوتاه دیگر لهجه ها می باشد و /i/ معادل /i/ و /a/ سریقولی معادل /a/ زبانهای باقیمانده شغنائی – روشانی است. دفتانگها اکثراً دفتانگ های باستان [ هستند، مثلاً در واژه های ] [speyd] (سپهید، بمعنای سفید)، wεwl (غبول، به معنای گوش)، و بعضاً مراحل بعدی شانرا نشان می دهد، مانند:

čewg < kard < karta. بعضی از آنها در نتیجه آمیزش واول های نو به ظهور میرسد. مانند:

wεyrun (وهیرون = ویران)، dεwlat (دهولت = دولت).

## سیستم کانسوننت ها [همخوان ها]:

سیستم تشکیلاتی کانسوننت ها در تمام این زبان ها یک چیز است. ویژگی های عمومی، عمده و تشخیص کننده کانسوننت های این لهجه ها قرار ذیل است:

- ۱- کانسوننت های سایشی مسطح [و یا گسترده] ( $\theta$  و  $\delta$ ) (تیپ انگلیسی) بمقابل کانسوننت های سایشی مقعر [و یا گرد] ( $s$  و  $z$ ) واقع اند.
- ۲- کانسوننت های عقب زبانی سایشی ( $x$  و  $\gamma$ ) بمقابل کانسوننت های نرمکامی ( $\chi$  و  $\beta$ ) واقع می باشد.
- ۳- کانسوننت های انسدادی – سایشی یک مخرجی ( $c$  و  $3$ ) به مقابل کانسوننت های انسدادی – سایشی دو مخرجی ( $\check{c}$  و  $\hat{j}$ ) قرار دارند. کانسوننت های این زبانها را بصورت جدول ذیل تشریح و طبقه بندی می کنیم.

### جدول اول:

نرمکامی	عقب زبانی	میان زبانی	جلو زبانی	دندانی آبی - دندان	دو آبی				
q	g	k	t d		p b ب پ	ساده	انسدادی – سایشی	انسدادی (بندشی)	فقط هارمونی
			c 3			یک مخرجی			
			$\check{c}$ $\hat{j}$			دو مخرجی			
	x $\gamma$		s z			سایشی مقعر	یک مخرجی	سایشی	
$\chi$ $\beta$			$\theta$ $\delta$	f v		سایشی مسطح			
		y	$\int$ 3		w	دو مخرجی			با آوا
		n			m	انفی			
		l				جانبی			
			r			اهتزاز			

از نگاه کیفیت فرق در لهجه های مختلف تنها در فونیم /g/ و /k/ شنیده می شود، این فونیم ها در شغنانی همیشه ثقیل (عقب زبانی) و در دیگر لهجه ها پیش از واول های جلوی و در آخر واژه با قوت زیاد تا اندازه تلفظ میان زبانی به پیش جلو میرود.

ساختار هجا در زبانهای هندو اروپایی معمولاً طور ذیل است:

در هجای اول دو کانسوننت وجود ندارد. مگر در این زبانها هجا می تواند که با دو کانسوننت باشد. البته در صورتی که کانسوننت با آوا باشد. مانند: شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی v(i)rōd – سریقولی v(ɔ)rud (برادر).

شغنانی: z(i)naɣ [زَنَر] روشانی، برتنگی و خوفی z(i)naw [زَنَو] سریقولی z(ɔ)nal [زَنَل] به معنای (عروس، لهجه دری بدخشانی سنار).

## صرف (مورفولوژی)

### اسم:

در تمام لهجه های گروه زبانهای شغنانی و روشانی به استثنای سریقولی، اسم دارای کتگوری های گرامری عدد و جنس هستند، اما در سریقولی، کتگوری جنس از بین رفته است و سریقولی از دیگر لهجه های این گروه با داشتن دو حالت فرق میشود: مستقیم و غیر مستقیم.

صورت مفرد اسم، مانند: شغنانی، برتنگی، روشانی، خوفی: Bāc (غخ)، سریقولی BOC (غُخ)، (دختر، دخترک)؛ شغنانی، برتنگی، روشانی، خوفی، سریقولی vaz (فَز = بز ماده)؛ شغنانی xiter3 (بَنِهرخ)، روشانی، خوفی، و برتنگی xitēr3 (بَنِهرخ)، سریقولی xiturj (بَنِترج) (بمعنای ستاره).

صورت جمع اسم در تمام این لهجه ها به استثنای آراشاری و سریقولی توسط الحاق پسوند (-ēn) ( - بن) به اسمای مفرد بدست می آید؛ مانند: شغنانی، برتنگی، روشانی، خوفی: vazēn (فَزین = بزها)، xiter3ēn (بَنِهرخین؛ شغنانی)، xitēr3ēn (بَنِهرخین؛ روشانی) (ستاره ها، ستارگان). در بعضی از اسم ها در صورت جمع آنها و اول اصل واژه تغییر میخورد؛ مانند: شغنانی: čīd (چید)، روشانی و خوفی čod (چُد)، برتنگی čōd (چاد)، [بمعنای «خانه»]، جمع آنها عبارت است از: čādēn (چَدین = خانه ها). بعضی اصطلاحات قومی و همچنان بعضی اسم هاییکه برای شخص بکار میروند دارای علامت مخصوص جمع هستند؛ مانند: روشانی و خوفی -ōrj ( - آرج) و -ēr3 ( - ابرخ)، برتنگی -ōr3 ( - آرخ) / -ār3/ēr3 ( - ابرخ / - آهرخ)؛ شغنانی -yūn ( - یون)، -gūn ( - گون)؛ برتنگی، روشانی، خوفی:

-yōn ( - یان)، -gōn ( - گان)؛ مانند: روشانی و خوفی pidēr3 (پیدهرخ = پدران، zinawōr (زنوار = عروس ها)؛ برتنگی pidār3 (پیدهرخ = پدران)، nānēr3 (نهن اهرخ = مادران)، ɣanorj (رنارج = زن ها، خانم ها)،

Xayōnōrj (خیانارج = خواهران زن، خواهران شوهر، زنان برادران)؛ شغنانی: amsōyagūn (همسایگون)، برتنگی amsōyagōn (همسایگان = همسایه ها)؛ شغنانی rafiq(y)ūn (رفیقین)، روشانی، خوفی، برتنگی: rafiq(y)ōn (رفیقان = رفقا، دوستان)؛ شغنانی: pitišyūn (پیتیشیون)، روشانی، خوفی: pitišyōn (پیتیشیان)، برتنگی: patišyōn (پیتیشیان) (برادر زاده ها، خواهر زاده ها) [ اصلن معنای پسران و دختران کاکا و ماما، خاله و عمه را می دهد ].

در لهجه آراشاری، علامت جمع اسم عبارت است از: پسوند «- Īf» ( - ایف)؛ مانند: BācĪf (غخثیف = دختران)؛ xitōrjĪf (بَنِتارجیف = ستارگان). برای اصطلاحات قومی، پسوند gōn, yōn, ēr3, ār3 [ - یان، - گان، ابرخ، آهرخ ] بکار میرود.

<sup>۳</sup> در زبان شغنانی زَنَر (عروس، سنار)، که صورت جمع آن «زَنَرارچ» است.  
<sup>۴</sup> در زبان شغنانی، خیون به معنای «خواهر زن، خواهر شوهر، و زن برادر» گفته می شود که صورت جمع آن «خیونارچ» است که در دری کابلی خیاشنه، و ننو، و در فارسی بدخشانی «قیسن گل» هم گفته می شود.

در لهجه سریقولی دو پسوند برای نشان دادن صورت جمع استعمال می شود؛ مانند: -χeyl (خپیل) برای حالت مستقیم و - af (-اف) برای [حالت] غیر مستقیم؛ مانند: vocχeyl-af yot (غَهخ خپیل اف یُت = دختران آمدند)؛

wi būχeyl-af ziyaxč (و بوغ خپیل اف ز یَبَنچ = باغ های او پژمرده [خشک] شدند)؛

уы वोcef-ir levd (یی غهخ اف ار لیقد = او به دختران گفت)؛ pawī mešef xac-i zuxt (پَو میشف بنخ زُبنت = در آن مشک او آب جمع کرده است [او در آن مشک آب گرفته است] .

پسوند سریقولی -χeyl معادل پسوند اسم جمع شغنانی χēl (خپل) و پسوند روشانی χāl (خیل) است؛ مانند: روشانی:

χawričχāl (خورچ خیل = پسران، بچه ها)؛ sawōrχēl (سوار خپل = سواران).

اسم در این لهجه ها دارای صیغه جنس هم است. جنس اسم اکثراً نحوی است و شکل هایی که مربوط به اسم میشود، قرار ذیل می باشد:

۱- فعل در یکی از حالت های گذشته، مانند: روشانی yā diraxt ziyixc (یَه درخت زبِنخ = آن درخت خشک شده است) در اینجا، ziyixc عبارت است از: پرفکت، مؤنث [گذشته نقلی] .

۲- ضمیر اشاره، مانند: روشانی: dum kitōb mū-ri dāk! (دُم کتاب مُرے دهک! = آن کتاب را بمن بده!). dum عبارت است از: ضمیر اشاره، غیر مستقیم مؤنث.

۳- صفت، مانند: روشانی: rāšt mawn (رَهشت مَوَن = سیب سرخ)° (مؤنث)، روشانی: rošt kurta (رُشت کُرته = پیراهن سرخ) (مذکر) - خوفي: yam kurtā lap kut (یَم کُرته لَپ کُت = این پیرهن بسیار کوتاه است) (مذکر)، روشانی: im glīm kut (ام گلیم کُت = این گلیم (چکمن) کوتاه است)° (مؤنث).

جنس گرامری بدون در نظر داشت متن توسط جنس حقیقی تفریق شده و این حالت توسط تغییر و اول اصل نشان داده میشود: مانند: شغنانی: nibōs (نیباس = نواسه (که پسر باشد))، nibes (نیبهس = نواسه (که دختر باشد)).

روشانی: čux (چُبِن = خروس)، čax (چَبِن = ماکیان). همچنان قسمت زیاد واژه ها دارای صیغه جنس نیستند.

صیغه مؤنث اسم ها مربوط به نوع جنس حقیقی نیست و همیشه در حالت مفرد شی به چشم میخورد. مانند: روشانی: yā diraxt ziyixc (یَه درخت زبِنخ = آن درخت خشک شده است). صیغه مذکر هم در حالت جمع و هم در حالت مفرد اسم آشکار شده می تواند: روشانی: day tā cāl mu-ri dak! (دَی تَه خیل مُرے دهک! = این دستمال [چادر] خود را بمن بده). day (دَی) - شکل غیر مستقیم (صیغه مذکر ضمیر اشاره)،

way bōš - away diraxt bula sut. (وِی باغ اوِی درخت غُله سُت = در این باغ درختان نمو کردند). sut فعل ماضی مذکر).

حالت در لهجه های گروه زبانهای شغنانی - روشانی به کمک پیشینه ها و پسینه ها بیان می شود.

در لهجه سریقولی علاوه بر این، در حالت جمع شکل اسم مانند مستقیم و غیر مستقیم هم فرق میشوند. حالت مستقیم در وضع و موقعیت مستقیم و حالت غیر مستقیم در وضع غیر مستقیم استعمال می شود؛ مانند:

° در شغنانی rōšt mūn (راشت مُون = سیب سرخ) می باشد.

¹ در متن ترجمه شده این طور ترجمه شده بود: این پیراهن (چپن) پشمی کوتاه است. در حالی که واژه « گلیم » بین شغنانی و دری مشترک است که گلیم بالا پوش پشمی را میگویند که در بدخشان بنام « چکمن » هم یاد می شود - ویراستار.

برادران من هستند). a-wi vurjef-am vewg (ا و قُرْجِف اَم قِهَوِگ = من این اسپار ها را آوردم). az ʎɪbanef-af parst (از رِیْبَنِیَف اَف پَرَسْت = از چوپان (ها) پرسان کردند)<sup>۶</sup>

شیوه های اساسی تولید اسم عبارت است از طرز تولید پسوندی در تمام این لهجه ها، پسوند های واژه ساز ذیل وجود دارد.

۱. پسوند های تصغیر ik, ak : مانند: خوفی و شغنائی virōdik (فَرادِک)، سریقولی vırudik (فَیْرودِک)، روشانی و برتنگی virōdak (فَرادِک) (برادرک). این پسوند ها میتوانند واژه هایی که از نگاه معنی با هم نزدیکی داشته باشند، بسازند. مانند: شغنائی و خوفی ʎinik (رِنِیک)، برتنگی ʎanik (رِنِیک)، سریقولی ʎinik (رِنِیک)، روشانی ʎanak (رِنَک) (بانو، زن). شغنائی، روشانی و خوفی: ʎan (رِن)، سریقولی ʎin (رِن) (همسر، زوجه) [در شغنائی هم «رِن» تلفظ می شود، شاید مؤلف در این مورد اشتباه کرده است. ویراستار].
۲. همچنان پسوند های شغنائی، روشانی، خوفی، سریقولی gi, i، برتنگی ā, gā و همچنان پسوند های روشانی، خوفی (g)ay- (گی، ای)، شغنائی ē3 (اِبْخ)، روشانی ī3 (اِبْخ)، سریقولی εγ3 (اِبْیخ)، اسم های عام را می سازد. مانند: شغنائی، روشانی، خوفی qarzi (قرضی)؛ روشانی، خوفی: qarzay (قرضی)، برتنگی: qārzi (قهرضی)، سریقولی qarzi (لازم)؛ شغنائی: qarz (قرض = وظیفه)، روشانی: duxmanay (دُشمنی = دشمنی)، karcay (کَرخی = عمق [چقوری]، سریقولی destey3 (دستهیخ = دوستی)؛ شغنائی: terē3 (تهریخ)، روشانی: tērē3 (تبریخ) (مایل به سیاهی). [برتنگی، شغنائی، روشانی، خوفی: ax (اِبْ) واژه هایی که حالت را بیان کنند، می سازد. خوفی، برتنگی: Šitōʎax (شیتاچین = سرما) = šitō (سرد)؛ روشانی، خوفی، برتنگی zūrax (زورین = ظلم) (zūr = زور)؛ روشانی، خوفی، برتنگی: sāv3ax (سهفُخَین) (نمو، سبزه) = sāv3 (سهفُخ = سبز).
۳. پسوند های شغنائی، روشانی، خوفی، برتنگی: gar (گر) = gār (گهر): واژه هایی که معنای فاعلی را در خود دارند، می سازند؛ مانند: شغنائی، روشانی، خوفی: ēčri3gar (چبرخ گر)، برتنگی: čari3gār (چرخ گهر) (زارع [قلبه گر، شخم زن که در شغنائی čeri3gār «چهرخ گهر» تلفظ می شود. – ویراستار)؛ روشانی، خوفی، برتنگی: ʎiwgar (ریوگر = شکارچی) [در شغنائی ʎēwdōj (رِبوداج «تلفظ می شود).
۴. پسوند های شغنائی ē3 (اِبْخ)، ēj (اِبْج)؛ روشانی، خوفی، برتنگی ī3 (اِبْخ) (اِبْج)، سریقولی ʎiwgar (اِبْیخ)، واژه هایی که معنای تعیین بودن را دارند، می سازند، مانند: شغنائی: bīrēj (بیربج)، روشانی، خوفی، برتنگی: bērij (ببرج)، سریقولی baberēj (ببیرهیج) (رخت خواب)؛ شغنائی bīr (بیر)، روشانی، خوفی، برتنگی: bār (ببار)، روشانی، خوفی، برتنگی: bār (ببار)، سریقولی: baber (ببیر) (جای خواب). شغنائی: piyōzē3 (پیازبُخ)، روشانی، خوفی: piyōzi3 (پیازخ)، برتنگی: piyōzi3 (پیازبُخ) (قطعه زمین برای کشت پیاز). با کمک این پسوند، همچنان تیپ واژه های ذیل ساخته می شود: شغنائی: pučēj (پُخِچ)، روشانی، خوفی، برتنگی: jīpuč (پُخِچ)، سریقولی: ručēj (پُخِچ) (بچه اندر)؛ شغنائی، روشانی، خوفی، برتنگی: puč (پُخ)، سریقولی: ruč (پوخ) (پسر)؛ شغنائی: nānē3 (نهنبُخ)، آراشاری، برتنگی: nāni3 (نهنیخ)، روشانی، خوفی mōdi3 (مادیخ)، سریقولی: mudēj (مُدهیج) (مادر اندر)؛ شغنائی، برتنگی،

<sup>۶</sup> در شغنائی می شود « وهژ روپُخِکِبِن نِبِن رُخاسْت »

<sup>۷</sup> معادل « رِوْبَنِیَف » سریقولی در زبان شغنائی « بِنِیَوْنِی » است که بیشتر برای محافظان کشت و کار (بویره گندم و ارزن) از هجوم پرندگان بکار میرود. مانند: بِنِیَوْنِی گَهْر، وِثِچ بَوْنِی (نگاه داری (زراعت) از گنجشک). یه بِنِیَوْنِی کِبِنِت (آن زن از (زراعتش از شر پرندگان) پاسداری می کند). – ویراستار .

آرشاری: nān (نهَن)، روشانی، خوفی mōd (ماد)، سریقولی: mud (مُد) (مادر). از پیوند این پسوند با نامهای جغرافیایی، واژه هایی را که دارای معنای نسب و نژاد باشند، می سازند. مانند: شغنانی: xaraxēj (خَرَخِج، مترجم این واژه را « مردم خاره » ترجمه نموده است، در حالی که معنایش « خاروغی، یعنی مربوط به شهر خاروغ است – ویراستار)، برتنگی، روشانی، bōsīdīj (باسیدیج) (مردم باسید، اهل قریه باسید مربوط بدخشان تاجیکستان)، سریقولی، tɯŋgeŋj (تینگهچ) (اهل تونگ، از محله تونگ، نام قریه در سریقول چین است).

## صفت:

جز کلام غیر اسمی شده است بر خلاف اسم دارای کتگوری عدد نیست: مانند: شغنانی: bašānd čīd (بشهند چید)، سریقولی: arj čēd (چَرَج چید)؛ شغنانی: bašānd čīdēn (بشهند چیدین)، سریقولی:

čarj čēdχeyl (چَرَج چید خهیل) (خانه های خوب).

قسمت زیادی از صفت ها، دارای جنس نمی باشند؛ مانند: شغنانی، روشانی، خوفی: safēd čux (سفید چُنب) (خروس سفید)، safēd čax (سفید چَین) (ماکیان سفید). اندکی از صفت ها وجود دارند که جنس آنها توسط تغییر واول در ریشه تقریب میشود؛ مانند: شغنانی: rūšt (روشت = سرخ، مذکر)، rōšt (راشت = سرخ، مؤنث؛ روشانی، خوفی: kut (کُت = کوتاه، مذکر)، kat (کَت = کوتاه، مؤنث) [ در شغنانی هم کُت و کَت موجود است، اما مؤلف تنها در روشانی و خوفی آنرا مثال آورده است ]؛ برتنگی: čāw (چاو(مذکر)، چهو (مؤنث) = رنگارنگ) [ به نظر من، « چاو » و « چهو » به معنای «رنگارنگ» نیست که مترجم آنرا آورده است. این واژه ها، برابر با واژه های « چور (مذکر) » و « چهو (مؤنث) » است که معنای « ابلق » را می دهد. مانند: چور بشیج (برزه گاه ابلق، و یا هله)؛ چهو ژاو (ماده گاو ابلق)؛ واژه « رنگارنگ » را در زبان شغنانی « چور ملچور (مذکر) » و « چهو ملچور (مؤنث) » میگویند. – ویراستار ]

بصورت نسبی پسوند های صفت قرار ذیل اند:

۱. شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آرشاری، سریقولی: -in ( - ان ) (اشاره به کیفیت و خواص می کند)؛ مانند: شغنانی، برتنگی: dōrgin (دَارگین)، روشانی dūrkin (دُورکین)، سریقولی xɯŋgin (بشینگین) (چوبی). شغنانی، آرشاری، سریقولی s(i)pinin (سپینین)، روشانی، خوفی، برتنگی: ānin (آهنین) (آهنی).
  ۲. شغنانی، خوفی، برتنگی، آرشاری: -īnġ ، -nīnġ (اینج، نینج)؛ روشانی: -inġ ، -ninġ (انج، نینج)، روشانی، خوفی: -nuġ ، -nūnġ ( - نُج، نونج)، سریقولی: -ēnġ ، -nēnġ (اېج، نېنج). (رابطه با زمان را نشان می دهد). مانند: [شغنانی]، خوفی: nur(n)inġ (نُرنینج)، روشانی: nur(n)inġ (نُرنینج، نُرینج)، سریقولی: nurnenġ (نُرنینج) (امروزی) [شغنانی: پرواسینج = پارساله – ویراستار].
- برتنگی: آرشاری: zibōnīnġ (زبانینج، در شغنانی « زبانینج » است )، سریقولی: zabunenġ (زبُنینج) ( عقبی، بعدی).

با علاوه نمودن پسوند های ذیل به اصل صفت کیفی، صفت مقایسی (تفضیلی) ساخته میشود: شغنانی، روشانی، خوفی: -di (-دے)، برتنگی، آرشاری: -dör (- دور)، سریقولی: -der (- در). مانند: شغنانی، روشانی، خوفی:

δardi (دَرْدے)، برتنگی، آرشاری: δardör (دَردار)، سریقولی: δarder (دَرْدِر) (دور تر).

شغنانی: روشانی، خوفی: χušrūydi (خُشروی دے)، برتنگی: χušrūydör (خُشروی دار)، سریقولی: χušruyder (خیش رُیدر) (مقبول تر). در سریقولی غیر از این پسوند، با زیاد ساختن پسوند -ew به اصل اسمیه ها، صفت های عالی بدست می آید، مانند: čarjēw (چَرَجَبو = بهترین)، žylēw (خُیلَبو = خورد ترین).

[در زبان شغنانی، پسینه های «-آکے، -یکے، -زار» و پیشینه های «ساف، و سر» صفات عادی به صفات عالی تبدیل می شوند. مانند: سر زور (زور ترین)، ساف غُله (کلانترین)، کُتے زار (کوتاه ترین)، خُشرویکے (مقبول ترین) – ویراستار].

اعداد:

اعداد کمی تا [شماره] ده در تمام زبانهای پامیری یک چیز است، مگر تنها بعضی اوقات فرق شان در حالت ندایی دیده میشود.

شغنانی	روشانی – خوفی	برتنگی – آراشاری	سریقولی	ترجمه
yi, yīw (یے، ییو)	yi, yīw (یے، ییو)	yi, yīw (یے، ییو)	i, iw (ا، ایو)	یک
du, diyūn (دو، ڈیون)	daw (دَو)	du, diyūn (دو، ڈیون)	da, dew (دِه، دُهو)	دو
aray (اری)	aray (اری)	arāy (ارهی)	aroy (اری)	سه
cavōr (خَفَار)	cavūr (خَفُور)	cavōr (خَفَار)	cavur (خَفَر)	چهار
pīnz (پینخ)	pīnz (پینخ)	pinz (پینخ)	pīnz (پنخ)	پنج
χōɮ (خَار)	χūw (خُو)	χōw (خاو)	χel (خِل)	شش
w(ū)vd (ووقد، اوقد)	w(ū)vd (ووقد، اوقد)	ūvd (اوقد)	ıvd (ایقد)	هفت
waxt (وَبَت)	waxt (وَبَت)	waxt (وَبَت)	woxt (وَبَت)	هشت
nōw (ناو)	nāw (نَهو) (خوفی = ناو)	nāw (نَهو)	new (نو)	نه
δīs (ڈیس)	δos (دُس)	δus (دُس)	des (دِس)	ده

بعد از [شماره] ده، عموماً اعداد تاجیکی (دری) (به استثنای سریقولی) مورد استفاده است. مگر بعضی اعداد مخصوص زبانهای پامیری هنوز هم حفظ شده است؛ مانند: روشانی: δos-at yīw (دُس ات ییو = یازده)، δawδos (دَو دُس ات ییو = بیست و یک). در سریقولی اعداد: ده، بیست، سی، چهل از زبانهای تاجیکی (دری)، از پنجاه شروع الی (حساب ده، ده) نود، اعداد اویغوری، و حساب صد، صد آریانی عموماً (sad) شنیده می شود.

اعداد ترتیبی در تمام این لهجه ها به استثنای سریقولی به کمک پسوند -um (- ام) و در سریقولی پسوند -inči (انچه) ساخته میشود؛ مانند: روشانی: δawum (دوم = دوم)، arayum (اریم = سوم) bistum (بیستم = بیستم)؛ سریقولی: δewinči (دُهونچے = دوم)، aroyinči (ارینچه = سوم)، wistinči (وستینچه = بیستم).

باید یاد آور شد که در سریقولی استعمال اعداد ترتیبی اویغوری معمول است.

اعداد توزیعی توسط پسوند های ذیل ساخته میشود: شغنانی، روشانی، خوفی، آراشاری، سریقولی: -i (- ے)، برتنگی: -ā (ای)؛ مانند: شغنانی، روشانی، خوفی، آراشاری: p nzi (پنخے)، سریقولی: pinzi (پنخے)، برتنگی: pīnzā (پینخی) (پنج پنج).

## ضمیر:

در این زبانها ضمیر شخصی بر دو شخص دلالت می کند، شخص اول یا متکلم و شخص دوم یا مخاطب. ضمیر شخصی برای شخص سوم یا غایب وجود ندارد و بجای آن از ضمیر اشارت استفاده میشود. ضمیر شخصی دارای دو حالت است: مستقیم و غیر مستقیم. باید گفت که این دو حالت تنها در صورت مفرد از هم فرق میشوند و در جمع کدام فرق در آنها دیده نمی شود. حالت مستقیم



ضمیر شخصی وظیفه مسند الیه و مسند اسمی را اجرا می کند؛ مانند، روشانی: tu sabō tēyi (تُ سبا تپِی = تو فردا میروی)، سریقولی: tɛw mo pars, waz na lévam (تِهو مُ پَرس، وَز نه لِقَم = تو پرسان مکن، من جواب نمی دهم). wáy-af ca. talēpt, áz-um (وِی آف حَه تَلپیت، اَزَم = کسی را که طلبیدید، من هستم).<sup>۹</sup>

جدول دوم:

جمع			مفرد						حالت	شخص
سریقولی	برتنگی، آراشاری	شغنایی، روشانی، خوفی	سریقولی	آراشاری	برتنگی	خوفی	روشانی	شغنایی		
maš	māš	māš	waz	waz	zā	waz	az	wuz	مستقیم	اول
maš	māš	māš	ty(n)	mu(n)	mu(n)	mu	mu	mu	غیر مستقیم	
tamaš	tamāš	tama	tɛw	tu	tū	tu	tu	tu	مستقیم	دوم
tamaš	tamāš	tama	ta, ty	tā	tā	taw tā	tā	tu	غیر مستقیم	

صورت غیر مستقیم ضمیر شخصی وظیفه مفعول و مضاف الیه را داراست؛ مانند، روشانی:

Mu virō mu pawst (مو فِرا مو پَوست = برادرم از من پرسان می کند)، tāri dākum (تَهَرِ دَهکُم = برایت میدهم)<sup>۱۰</sup>؛ سریقولی: par ta a-my buxt (پَر ته ا می بوبنت = او مرا به عقب تو روان کرده است).<sup>۱۱</sup>

در لهجه های روشانی، خوفی، برتنگی در صورتی که فعل متعدی وجود داشته باشد، ضمیر غیر مستقیم بحیث مسند الیه هم استعمال میشود.

ضمیر اشاره دارای سه ردیف است و این وابسته به درجه نزدیکی آن میباشد که به آن اشاره میشود: بعید، میانه، نزدیک. در هر ردیف فرق بین جمع و مفرد و همچنان فرق بین حالت مستقیم و غیر مستقیم ضمیر وجود ندارد. ضمیر در حالت غیر مستقیم مفرد دارای صیغه جنس مذکر و مؤنث می باشد. در سریقولی صیغه مذکر و مؤنث تقریباً از بین رفته است و صیغه مؤنث به ندرت شنیده می شود. در شغنایی علاوه بر آن حالت غیر مستقیم، در صورت مفرد ضمیر دور جنس از هم تفریق می شود (جدول سوم را ببینید).

صورت مستقیم ضمیر اشاره معمولاً منحنی مسند الیه و مسند اسمی استعمال میشود؛ مانند، شغنایی: yu sut (یو سَت = او رفت)، شغنایی: yu Bīdā sut (یو غِده سَت = آن بچه رفت). سریقولی: čarjɛw myalim-yu (چَرجهو می آلم ی = او بهترین معلم است).<sup>۱۲</sup>

در صورت استعمال اسم صیغه و عدد ضمیر اشاره با اسم آخری مطابقت میکند (البته به استثنای لهجه سریقولی، زیرا در این لهجه کتگوری صیغه وجود ندارد و همچنان تنها صورت مفرد دارد و بس). مانند: شغنایی:

yu Bīdā sut (یو غِده سَت = آن بچه رفت)، yā Bāc sat (یَه غهخ سَت = آن دختر رفت).

wāb čōrikēn-ēn azam yat (وَهڈ چارکین نین اَزَم یَت = آن مردها از آنجا آمدند)، سریقولی:

<sup>۹</sup> در متن ترجمه اصلی آمده بود: نفری که شما خواستید، من هستم.

<sup>۱۰</sup> در متن ترجمه اصلی آمده بود: من ترا میدهم.

<sup>۱۱</sup> در اصل باید چنین ترجمه شود: بسر تو مرا روان کرد. عین جمله در زبان شغنایی میشود: «پیس تو یی مو بابنت = بسر شما مرا روان کرد.»

<sup>۱۲</sup> در متن ترجمه اصلی چنین آمده بود: بهترین معلم اوست.

۷۱ vrūdeyl-af yat (بی فرودھیل اف یت = آن برادران آمدند).

صورت غیر مستقیم ضمیر اشاره بصورت اسمی وظیفهٔ مفعول را اجرا می کند (مستقیم و غیر مستقیم)؛ مانند، روشانی: way qiw!  
(وی قیو = اورا صدا کن)، سریقولی: xac wí-ri vor (بَنخ ورے قُر = برایش آب بیاور)<sup>۱۳</sup>، روشانی: uf virōd kal na yat.  
(اف قُراد غل نه یت = برادر آنها هنوز نیامده [است]).

در سریقولی، بر خلاف دیگر لهجه های این گروه، ضمیر اشاره منفصل و متمم با وجود بودن پیشینهٔ ها و یا ضمیر اشاره مفعول مستقیم پیش از پیشینه می آید؛ مانند، سریقولی: wi pa čed yot (وے پَہ چِد یُت = او به خانه آمد)، در مقایسه با: pa wi čed yot (پَہ وے چِد یُت = به آن خانه آمد).

در لهجه های روشانی، خوفی، برتنگی، ضمیر اشاره در حالت غیر مستقیم می تواند که عوض مسند الیه در صورتیکه جمله دارای ماضی فعل متعدی باشد، استعمال میشود؛ مانند، روشانی: way (w)um zuxt (وے ام زوینت = آنرا برداشتم (گرفتم))<sup>۱۴</sup>، di-yi lap vūg (دیے لپ قُوگ = اینرا زیاد آورد)<sup>۱۵</sup>

حالت غیر مستقیم ضمیر اشاره بحیث صفت در صورت بودن حالت غیر مستقیم اسم استعمال میشود. در اینصورت ضمیر در عدد و جنس با اسم آخری مطابقت دارد (به استثنای سریقولی)؛ مانند، شغنانی:

as wi virōdi pēxct (اس وے قُرادے پِپنخُت = از برادرش پرسید)<sup>۱۶</sup>، روشانی:

uf xu rizanōrj-um Pōmīr yūd (اف خو رزَنارچ ام پامیر یُود = آن دخترانم را به پامیر بردم)<sup>۱۷</sup>

سریقولی: az di merzéf caKá náxten, tēzan? (از دے مرزف خُغَه نَبَنتن، تَبَنن؟ = از بین لشکر مورچگان چگونه می گذریم؟)<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۳</sup> در ترجمه متن آمده بود: به او آب بیاور

<sup>۱۴</sup> در ترجمه متن آمده بود: او آنرا گرفت. به نظر من این ترجمه درست جمله بالا نیست. - ویراستار.

<sup>۱۵</sup> در ترجمه متن اصلی آمده بود: « او بسیار آورد » که ترجمه دقیق جمله بالا نیست. این جمله در زبان شغنانی میشود: دیے لپ قُود، که « دے » ضمیر اشاره نزدیک است بطرف « شی » که به معنای « این را زیاد آورد ». تنها فرق در فعل است که آوای / گ / روشانی به آوای / د / در شغنانی تبدیل می شود (قُوگ = قُود).

<sup>۱۶</sup> در ترجمه متن آمده بود: او برادر اورا پرسید، که شیوا به نظر نرسید.

<sup>۱۷</sup> در ترجمه متن آمده بود: من آن دختران خود را به پامیر بردم، که ترجمه درست متن نیست.

<sup>۱۸</sup> در متن ترجمه آمده بود: چه قسم از بین اردوی بزرگ مورچه ها تیر میشویم؟ - ویراستار.



جمع					مفرد						لهجه ها	
سریقولی	آر اشاری	برتنگی	روشنایی - خوفی	شغنایی	سریقولی	آر اشاری	برتنگی	خوفی	روشنایی	شغنایی - بجویی	حالت	
woδ	wāδ	wāδ	wāδ	wāδ	ыı	yā	yā	yaw	yā	(مذکر) yu (مؤنث) yā	مستقیم	
wef	waf	uf	(w)uf	wēv	wi	wi	wī	way	way	wi	مذکر	غیر مستقیم
					wem	wam	um	(w)um	(w)um	wam (بجویی) wim	مؤنث	
					yad	yid	yid	(y)id	(y)id	(y)id	مستقیم	
def	daf	dif	duf	dēv	di	di	dī	day	day	di	مذکر	غیر مستقیم
					dem	dam	dim	dum	dum	dam dim (بجویی)	مؤنث	
moδ	māδ	māδ	māδ	māδ	yam	yim	yim	yam	(y)im	yam	مستقیم	
mef	maf	maf	muf	mēv	mi	mi	mī	may	may	mi	مذکر	غیر مستقیم
					mem	mam	mim	mum	mum	mam mim (بجویی)	مؤنث	

وقتی که شکل اشاره تأکیدی داشته باشد به ضمیر پیشوند تقویت کننده علاوه میشود، این پیشوند ها قرار ذیل اند: شغنانی، روشانی:  $(y)ik$  (یک، یک)، سریقولی:  $k(ы)$  (کن)؛ مانند: روشانی:  $ik-wāδ \bar{o}damēn$  (یک و هژ آدمبن)، سریقولی:  $кы-уы \chi a l q \chi e y l$  (کن یی خلق خهیل) (همان اشخاص (افراد))<sup>۱۹</sup>

در صورتیکه اشاره ضعیف باشد، ضمیری که وظیفه ادات را اجرا می کند، استعمال می شوند و همچنان جنس، عدد و موقعیت اسم را در جمله نشان می دهد؛ مانند، روشانی:  $way \text{ um } vir \bar{o} q \bar{i}w!$  (وی ام فرا قیو! آن برادرش را صدا کن)<sup>۲۰</sup>، سریقولی:  $yam \text{ ta } raz \bar{e}n-ik \text{ ы } \check{c} \text{ yubin } \text{ пытууд}$  (یم ت رزنیک ایچ هیین نموید = این دختر تو عیب دار معلوم میشود)<sup>۲۱</sup>

از ضمائر دیگر میتوان نام برد:

۱. صورت حالتی ضمیر پرسشی: شغنانی، روشانی، خوفی:  $\check{c}āy$  (چهی؟)، سریقولی:  $\check{c}oy$  (چی) (کی؟) (صورت مستقیم)  $i-\check{c}$  (چه) (صورت غیر مستقیم). در برتنگی و آرشاری تنها یک حالت آن وجود دارد؛ مانند: برتنگی:  $i\check{c}-$  (چی)، آرشاری:  $\check{c}i-$  (چه)، روشانی:  $\check{c}āy \text{ yat?}$  (چهی یِت)، آرشاری:  $\check{c}i \text{ yat?}$  (کی آمد؟)<sup>۲۲</sup>، روشانی:  $\chi u \text{ k} \bar{o}r\text{-at } \check{c}i\text{-ri}$  (خو کار ات چرے سپارت = کارت را به کی سپردی؟)، سریقولی:  $yad \text{ kalo } \check{c}i\text{-yan?}$  (ید کل چی یِن؟ نوبت کیست؟).

۲. صورت حالت ضمائر مشترک – تأکیدی: شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آرشاری:  $\chi uba\theta$  (خُبْت)، سریقولی:  $\chi uba\theta$  (خُبیت) (صورت مستقیم)، (شغنانی، روشانی، خوفی، آرشاری، برتنگی:  $\chi u$  (خُ) در سریقولی:  $\chi ы$  (خی)؛ مانند: روشانی:  $\chi uba\theta\text{-at } wunt$  (خُبْت ات وُنت = تو خودت دیدی؟)، روشانی:  $\chi u \text{ kit} \bar{o}b \bar{e}n\text{-i } zuxt$  (خُ کتابینے زوبیت = کتابی های خودش را گرفت).<sup>۲۳</sup> سریقولی:  $y u \text{ pa } \chi ы \text{ yo} \delta d$  (یی پَه خی یُڈد = او خودش می آید).<sup>۲۴</sup> سریقولی:  $ter \text{ a-}\chi ы \check{c}ewg$  (تر ا خی چهوگ = از بالا خود را انداخت).<sup>۲۵</sup>

ضمائر دیگر تنها یک صورت دارند، مانند: شغنانی، روشانی، خوفی، آرشاری:  $\check{c}i\check{z}$  (چیز)، برتنگی:  $\check{c}iz$  (چیز)، سریقولی:  $\check{c}eyz$  (چهیز) (چه؟ چی؟)؛ شغنانی:  $\check{c}id \bar{u}m$  (چیدوم)، روشانی، خوفی، آرشاری:  $\check{c}id \bar{o}m$  (چیدام)؛ برتنگی، سریقولی:  $\check{c}idum$  (چیدم) (کدام؟ کی؟)؛ شغنانی، خوفی، برتنگی، آرشاری:  $fuk$  (فُک)، سریقولی:  $fыk$  (فیک) (همه، تمام)، و غیره.

<sup>۱۹</sup> در متن ترجمه آمده بود: (خود آن مردم)، که ترجمه درست نمی باشد.

<sup>۲۰</sup> به شغنانی میشود: وے وے فراد قیو. ویا: وے وَم فرا قیو. (همان برادرش را صدا کن)

<sup>۲۱</sup> در ترجمه متن آمده بود: « این دختر تو بد اخلاق است » که با متن سریقولی سازگاری ندارد. بخاطری که در متن « هیین » آمده که معنایش « عیب دار » است نه بد اخلاق. این متن در زبانی شغنانی چنین برگردان می شود. یم تو رزین عیب دار نماید. که ترجمه درست آن اینست: این دختر تان عیب دار معلوم میشود. که واژه « عهیین » در شغنانی « عیب دار » و واژه « نموید » برابر با واژه « نماید » شغنانی است.

<sup>۲۲</sup> در زبان شغنانی  $\check{c}i \text{ yat}$  (چه یِت) به معنای « در شرف آمدن است»، چه مید = در شرف مردن است. در زبان انگلیسی معادل « چه » در زبان شغنانی، واژه  $about$  است. مانند:  $He \text{ is about to come.}$  - ویراستار  
<sup>۲۳</sup> در متن ترجمه آمده بود: او کتاب خود را گرفت.

<sup>۲۴</sup> در متن ترجمه آمده بود: « او به خود می آید»، که با متن اصلی هیچ سازگاری ندارد. در زبان شغنانی اگر بگوییم: یو بخود یت. معنایش میشود: « او بهوش آمد » زمانی که کسی ضعیفیت و یا در حالت کوما رفته باشد.

<sup>۲۵</sup> در متن ترجمه آمده: « او از بالا افتاد » که با متن اصلی سازگاری ندارد.

## فعل:

در تمام لهجه های این زبانها، دو اصل فعل وجود دارد: اصل حال و اصل ماضی، و همچنان اشتقاق تاریخی از اصل ماضی همان صفت فعلی است که فعلاً در این لهجه ها بحیث صفت فعلی قبول نشده، بلکه منحیث اصل قبول شده که برای ساختن صورت های مختلف فعل بکار میرود. این اصل را، اصل پرفکت [ ماضی نقلی ] می نامیم. از این سه اصل، حالت های شخصی فعل ساخته می شود.

بصورت عموم، کدام قاعده خاص در ساختار اصل وجود ندارد. علامه ظاهری که توسط آن اصل ماضی از اصل حال فرق می شود، عبارت است از: « d = d » نرم (معمولاً بعد از واول و یا کانسوننت با آوا)، و یا: « t = t » (اکثراً بعد از کانسوننت بی آوا)، و بعضی اوقات « g = g » هم است. علامت اصل پرفکت عبارت است از: « j = j » (بعد از واول و کانسوننت با آوا)، و یا « č = č » (بعد از کانسوننت بی آوا). مثال های این سه اصل عبارت است از:

جدول چهارم:

لهجه ها	اصل حال	اصل ماضی	اصل پرفکت [ماضی نقلی]	ترجمه
شغنایی	lův لُوَف (بگو)	lůvd لُوَد (گوید)	lů lُوَف (گفته است)	گفتن
روشانی - برتنگی	luv لُف	lud لُد	luv لُف	
سریقولی	lev لِف	levd لِفِد	lev لِف	
شغنایی، برتنگی، روشانی	niviš نِفِش (بنویس)	nivišt نِفِشْت (نوشت)	nivišč نِفِشْچ (نوشته است)	نوشتن
سریقولی	naviš نَفِش	navišt نَفِشْت	navišč نَفِشْچ	
شغنایی	wāf وَهَف (بباف)	wāft وَهَفْت (بافت)	wāfč وَهَفْچ (بافته است)	بافتن
روشانی، برتنگی	wāf وَهَف	wāft وَهَفْت	wāfč وَهَفْچ	
سریقولی	wof وَف	wift وَفْت	wifč وَفْچ	
شغنایی	ti تِے (روان شو، حرکت کن)	tūyd تُوید (رفت)	tūy j تُویج (رفته است)	رفتن، حرکت کردن [روان شدن]
روشانی، برتنگی	te ت	tuyd تُوید	tuy j تُویج	
سریقولی	te(3) ت، تیخ	tyyd تُوید	tyy j تُویج	

نظر به شیوه ساختار اصل ماضی، افعال به گروپ افعال با قاعده و بی قاعده تقسیم شده اند. اصل ماضی افعال با قاعده از اصل حال تنها توسط زیاد بودن « d » و یا « t » نرم در آخر تفریق میشوند؛ مانند، شغنایی، خوفی، برتنگی: qīw (قیو = صدا کن) qīwd (قیوَد = صدا کرد)، سریقولی: qiw (قیو = صدا کن) qiwd (قیود = صدا کرد)، روشانی: qīw (قیو = صدا کن) qīwt (قیوَت = صدا کرد).

شغنایی، روشانی، برتنگی: nivišt – niviš (نِفِش = نِفِشْت)، سریقولی: navišt – naviš (نَفِش = نَفِشْت) (نوشتن).

اصل ماضی افعال بی قاعده از اصل حال (علاوه بر « d » و « t ») یا توسط تغییر واول و یا تغییر کانسوننت آخر با واول از هم تفریق می شوند؛ مانند: شغنایی، روشانی، برتنگی: tāž (تَهژ)، سریقولی: tož (تژ)،

شغنایی: tižd (تیزد)، روشانی، برتنگی: tēžd (تیزد)، سریقولی: tižd (تیزد) (کشیدن).

شغنایی، روشانی، برتنگی: wōx (وابس)، سریقولی: wux (وُیس)؛ شغنایی: wext (وهبنت)، روشانی، برتنگی: wēxt (وِپنبت)، سریقولی: woxt (وُپنبت) (افتادن)؛

شغنانی، روشانی: yōs (یاس)، برتنگی: ayōs (ایاس)، سریقولی: yus (یُس)؛ شغنانی: yōd (یاد)، روشانی: yūd (یُود)، برتنگی: ayōd (ایاد)، سریقولی: yud (یُد) (بردن)؛

شغنانی: xin (بسن)، روشانی، برتنگی، سریقولی: xan (بسن)؛ شغنانی، روشانی، برتنگی: xud (بند)، سریقولی: xɪd (بند) (بندیدن)<sup>۲۶</sup>

شغنانی، روشانی، برتنگی: xār (خهر)، سریقولی: xor (خر)؛ شغنانی: xūd (خود)، روشانی، برتنگی: xūg (خوگ)، سریقولی: xug (خُگ) [خوردن] است.

اصل پرفکت از اصل ماضی توسط تغییر (g, t, d) در آخر واژه به « č » و یا « ĵ » حاصل میشود، مانند: شغنانی: lūvd (لُود)، روشانی، برتنگی: luvd (لُود)، سریقولی: levd (لُود) - شغنانی: lūvĵ (لُوفج)، روشانی، برتنگی: luvĵ (لُوفج)، سریقولی: levĵ (لُوفج) (گفتن).

شغنانی: wext (وهبت)، روشانی، برتنگی: wēxt (وهبت)، سریقولی: woxt (وُبت) - شغنانی: wexč (وهبنچ)، روشانی، برتنگی: wēxč (وهبنچ)، سریقولی: woxč (وُبنچ) (افتادن).

شغنانی: δūyd (دُود)، برتنگی: δūg (دوگ)، سریقولی: δεwg (دُهوگ) - شغنانی: δūyĵ (دُویُد)، برتنگی: δuĵ (دُج)، سریقولی: δεwĵ (دُهوُج) (دوشیدن).

در لهجه شغنانی و سریقولی در ساختار اصل پرفکت افعال بی قاعده کانسوننت آخر اصل ماضی حفظ شده است؛ مانند: در شغنانی: θud (تُد)، سریقولی: θɪd (تُید) - شغنانی: θuδĵ (تُدج)، سریقولی: θɪδĵ (تُدج) (سوختن)؛ شغنانی: xūd (خود)، سریقولی: xɪg (خِگ) - شغنانی: xūɻĵ (خوُرُج)، سریقولی: xɪɻĵ (خِیرج) (خوردن).

در سریقولی به استثنای این اصل پرفکت میتواند تغییر بخورد؛ مانند: xɪd - xeδĵ (بند - بندج) (بندیدن)، reyδ - reδĵ (رهید - رُدج) (ماندن).

در تمام لهجه های این گروه به استثنای سریقولی، اصل ماضی و اصل پرفکت افعال بی قاعده (تقریباً به استثنای افعال لازم) به اساس جنس و عدد توسط تغییر فونیم های انسدادی، سایشی، و انسدادی - سایشی تغییر میخورد. در اصل ماضی صیغه مؤنث و جمع با sat/d (صیغه مؤنث و جمع) با هم مطابقت دارند - sut/d (صیغه مذکر).

در اصل پرفکت صیغه مؤنث از جمع معمولاً علاوه بر علامت صیغه مؤنث توسط فونیم انسدادی - سایشی /c/ (خ) و /3/ (خ) تفریق میشوند، مانند: روشانی، خوی: suc/ĵ (سُخ / سُج) « مذکر »، sac/ĵ (سُخ / سَج) « جمع ».

شغنانی، روشانی، خوی: sic (سیخ) « مؤنث »، شغنانی: suδĵ (سُدج)، saδĵ (سَدج) « جمع ».

شکل شخصی و عددی فعل که از اصل حال ساخته شده باشد، توسط پسوند شخصی نشان داده میشود. در شکل غایب، مفرد اکثر افعال بی قاعده، و اول اصل تغییر میخورد.

<sup>۲۶</sup> در متن « گوش کردن » ترجمه شده، که اشتباه است. در شغنانی « بنیداو »، به معنای « شنیدن » است، و « نیغینتاو » گوش گرفتن، و یا گوش کردن است. - ویراستار.

جمع		مفرد		شخص
شغنانی	-am	شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آر اشاری	-um	شخص اول
روشانی، خوفی	-am	سریقولی	-am	
برتنگی، آر اشاری، سریقولی	-an			
شغنانی	-ēt	شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی	-i	شخص دوم
روشانی، خوفی، برتنگی	-at//af	آر اشاری، سریقولی	—	
سریقولی	-it			
شغنانی	-ēn	شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آر اشاری، سریقولی	-t, -d	شخص سوم
روشانی، خوفی، برتنگی، آر اشاری	-an			
سریقولی	-in			

در اشکال فعلی که از اصل ماضی و اصل پرفکت ساخته شده باشند، شخص و عدد آن توسط نشانه شخص متحرک نشان داده میشود.

فرق نشانه شخص متحرک شخص و عدد فعل از جزء پسین در اینست که میتوانند به هر جزء جمله الحاق (البته طبق معمول به جزء اول جمله می پیوندند؛ مانند، روشانی: az-um pas xuc sut (ازم پَس بَسَخ سَت = من بخاطر آب رفتم)، سریقولی: tew-at az ko pæydu sɔt? (تهو ات از کُ پِییدو سیت؟ تو از کجا پیدا شدی؟)<sup>۲۷</sup>

صورت نفی فعل در سریقولی توسط ادات (na) و (mo)، آر اشاری، برتنگی، خوفی، روشانی و شغنانی (mā) ساخته میشود. در لهجه سریقولی صورت نفی همچنان بواسطه (-nay) هم بدست می آید. ادات (mā/o) بر خلاف (na(y)، برای امر (مستقیم و غیر مستقیم)، آرزو، ضرورت، و غیره استعمال میشود؛ مانند، روشانی:

tu taraw mā ya (تو تَرَو مَه یه = تو این طرف نیا!)، برتنگی: yā lāk az x̣u at mā kixt! (یه لَهک از خو ات مَه کِینت! بگذار که یله (ایلا) نشود!)<sup>۲۸</sup>؛ روشانی: tā may garḁa ma x̣ūj (تَه مَی گَرḁه مه خو ج = شما این نان را نمی خوردید)<sup>۲۹</sup>؛ سریقولی: my barqo mo xird! (مَی بَرَقُ مُ خِرد = چه قسم او بره مرا نخورده است!)<sup>۳۰</sup>

در لهجه سریقولی بر خلاف دیگر لهجه های این گروه، ادات (mo) در وقت اظهار وضعی (به استثنای امر مستقیم) استعمال دارد. مانند: mo lev! (مُ لِف = گپ نزن [نگو]); lev mo (لِف م = نباید حرف زد!);

mo a-my levd! (مُ ا مَی لِفد! = هر طور که او مرا صدا کرد!).

در سریقولی فرق بین ادات nay و na در اینست که nay پسینه ای است.

<sup>۲۷</sup> جمله فوق در زبان شغنانی میشود: تو یت اس که پِیڈا سَت/سَت؟ تو از کجا پیدا شدی؟ « مذکر = سَت»، « مؤنث = سَت».

<sup>۲۸</sup> در متن ترجمه آمده: « بگذار او آزاد نشود! ». در زبان شغنانی میشود. یو لهک خو یبت مه کِینت.

<sup>۲۹</sup> در متن ترجمه آمده: تو این نان را نخواهی خورد.

<sup>۳۰</sup> ترجمه این جمله نا مانوس به نظر می رسد.



جمع		مفرد		شخص
شغنایی	-ām	شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-um	شخص اول
روشانی، خوفی	-am	سریقولی	-am	
برتنگی، آراشاری، سریقولی	-am			
شغنایی	-ēt	شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، سریقولی	-at	شخص دوم
روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، سریقولی	-af			
سریقولی	-it			
شغنایی	-ēn	شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، سریقولی	-i	شخص سوم
روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-an			
برتنگی (تنها در شکل فعل متعدی)	-an, -af			
آراشاری، سریقولی	-af			

نظر به ساختار حالت شخص به افعال ساده و مرکب تقسیم شده اند، اشکال ساده افعال از پیوستن جزء پسین (در حال و آینده) و یا نشانه شخصی متحرک (صورت ماضی و پرفکت) به اصل حاصل میشود. در لهجه های روشانی، خوفی، برتنگی، و آراشاری افعال متعدی در زمانهای گذشته دارای نوع دیگر گردان هم میباشند. صورت پرفکت که توسط پسوند شغنایی و خوفی: -at، سریقولی، روشانی: -it ساخته میشود. در لهجه های برتنگی و آراشاری شکل ماضی بعید توسط شیوه تحلیلی بدست می آید. (اشکال مرکب فعلی را ملاحظه کنید).<sup>۳۱</sup>

در اشکال فعل ماضی افعال بی قاعده جنس از هم فرق میشوند (به استثنای لهجه سریقولی)؛ مانند، شغنایی: روشانی، خوفی، برتنگی: sut (سُت = مذکر) – sat (سَت = مؤنث)؛ شغنایی: suδj (سَدَج)، روشانی، خوفی، برتنگی: suj (سُج) (مذکر) – شغنایی، روشانی، خوفی: sic (سیخ) (مؤنث) (شدن، گردیدن)<sup>۳۲</sup>

طوری که قبلاً یاد آوری شده است، در لهجه های روشانی، خوفی، و برتنگی، ماضی افعال متعدی دارای گردان های دیگر هم است. در جمله ای که فعل متعدی وجود داشته باشد.

ضمیر – مسند الیه درین لهجه ها میتواند که به شکل غیر مستقیم و در لهجه های روشانی و خوفی بر خلاف لهجه های برتنگی (یعنی در صورت موجودیت مسند الیه در جمله به شکل غیر مستقیم) فعل قسمی که قاعده است، گردان نمیشود.<sup>۳۳</sup> در اینجا نشانه شخصی و عدد وجود ندارد، اما در لهجه برتنگی نشان دهنده شخص و عدد وجود دارد. ولی برای شخص سوم (غایب) جمع، علامه شخصی فعل متعدی (-af) بکار میرود.

صورت افعال مرکب توسط یکجا شدن اصل پرفکت با صورت شخصی فعل معاون [ کمکی ] حاصل میشود؛ مانند، برتنگی: vav (قَو)، سریقولی: vew (فَهو)؛ برتنگی: vud (قُد)، سریقولی: vud (قَئِد). (بودن).

<sup>۳۱</sup> در لهجه برتنگی در صورت بودن فعل متعدی، صورت غیر مستقیم ضمیر (بحیث مسند الیه) توسط -af نشان داده می شود.  
<sup>۳۲</sup> در ترجمه متن آمده: (فعل استاد شدن، کردن) که معنای « سَدَج » و « سیخ » شدن، و گردیدن است. مثال: یه کسل سیخ. (آن زن مریض شده است)

<sup>۳۳</sup> امکانات گردان وجود دارد، مگر برای شخص دوم مفرد و شخص سوم جمع تقریباً هیچ جا دیده نشده است. مولف

صورت ماضی التزامی، معاون [ فعل کمکی ] به شکل حال و آینده استعمال میشود و همچنان در صورت ماضی پرفکت بعید، صورت پرفکت فعل معاون استعمال میشود.

## جدول هفتم:

گردان فعل شغنانی: lûv (لوف)، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: luv (لُف)، سریقولی: lev (لیف) – شغنانی: lûvd (لوفد)، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: luvd (لُفد)، سریقولی: levd (levd) به معنای «گفتن» [ مترجم آنرا «گپ زدن» ترجمه کرده، که اشتباه می باشد. ]

ماضی		حال و آینده		شخص				
جمع	مفرد	جمع	مفرد					
شغنانی	-āmlûvd	شغنانی	-umlûvd	شغنانی	lûvām	شغنانی	lûvum	شخص اول
روشانی، خوفی	-amluvd	برتنگی، روشانی، خوفی، آراشاری	-umluvd	روشانی، خوفی	lûvam	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	luvum	
برتنگی آراشاری	-anlûvd	سریقولی	-amlevd	برتنگی، آراشاری	lûvan	سریقولی	levam	
سریقولی	-anlevd			سریقولی	lévan			
شغنانی	-ēt̄lûvd	شغنانی	-atlûvd	شغنانی	lûvēt	شغنانی	lûvi	شخص دوم
روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-afluvd	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-atluvd	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	luvat//luvaf	روشانی، خوفی	luvi	
سریقولی	-aflevd	سریقولی	-atlevd	سریقولی	lévit	آراشاری	luv	
						سریقولی	lev	
شغنانی	-ēnlûvd	شغنانی	-(i)lûvd	شغنانی	lûven	شغنانی	lûvd	شخص سوم
روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-enlûvd	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	-(i)lûvd	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	luvan	روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری	luvud	
سریقولی	-aflevd	سریقولی	-(i)levd	سریقولی	lévin	سریقولی	levd	

ماضی بعید				پرفکت [ماضی نقلی]				شخص
جمع		مفرد		جمع		مفرد		
شغنانی	-āmlŭvĵat	شغنانی	-umlŭvĵat	شغنانی	-āmlŭvĵ	شغنانی	-umlŭvĵ	شخص اول
روشانى	-amluvĵit	روشانى	-umlavĵit	روشانى، خوفى	-amluvĵ	روشانى، خوفى، برتنكى، آراشارى	-umluvĵ	
سرىقولى	-anlevĵit	سرىقولى	-amlevĵit	برتنكى، آراشارى سرىقولى	-anluvĵ -anlevĵ	سرىقولى	-amlevĵ	
شغنانى	-ētlŭvĵat	شغنانى	-atlŭvĵat	شغنانى	-ētlŭvĵ	شغنانى	-atlŭvĵ	شخص دوم
روشانى	-afluvĵit	روشانى	-atluvĵit	روشانى، خوفى، برتنكى، آراشارى	-afluvĵ	روشانى، خوفى، برتنكى، آراشارى	-atluvĵ	
سرىقولى	-aflevĵit	سرىقولى	-atlevĵit	سرىقولى	-aflevĵ	سرىقولى	-atlevĵ	
شغنانى	-ēnlŭvĵat	شغنانى	-(i)lŭvĵat	شغنانى	-ēnlŭvĵ	شغنانى	-(i)lŭvĵ	شخص سوم
روشانى	-anluvĵit	روشانى	-(i)luvĵit	روشانى، خوفى، برتنكى، آراشارى	-anluvĵ	روشانى، خوفى، برتنكى، آراشارى	-(i)luvĵ	
سرىقولى	-aflevĵit	سرىقولى	-(i)levĵit	سرىقولى	-aflevĵ	سرىقولى	-(i)levĵ	

برتنگی		روشنای - خوی		شخص
جمع	مفرد	جمع	مفرد	
-māš-anluvd	-mun-umluvd	-māšluvd	-muluvd	شخص اول
-tamāš-anlavd	-tā-(a)t luvd	-tamāluvd	-tāluvd	شخص دوم
-uf-aflavd	-wī-yu luvd	-ufluvd	-wayluvd	شخص سوم

صورت پرفکت بعید لهجه سریقولی		ماضی التزامی لهجه سریقولی		
جمع	مفرد	جمع	مفرد	شخص
-anlevjveδj	-amlevjveδj	-levjvewam	-levjvewam	شخص اول
-aflevjveδj	-atlevjveδj	-levjvewit	-levjvew	شخص دوم
-aflevjveδj	-(i)levjveδj	-levjvewin	-levjvid	شخص سوم

ماضی بعید لهجه برتنگی		
جمع	مفرد	شخص
māš-an luvj vud	az-um luvj vud	شخص اول
tamāš-af luvj vud	tū-t luvj vud	شخص دوم
wāδ-an luvj vud	yā-(i)luvj vud	شخص سوم

ضمیر - مسند الیه لهجه برتنگی در صورت بودن فعل متعدی شکل غیر مستقیم آمده می تواند، در این صورت فعل به استثنای صورت جمع غایب، جایی که اشاره کننده فعل متعدی است، عیناً گردان میشود: -af: uf-af luvj vud (اف: اف اف لُفج قُد = آنها گفته بودند).

در قسمت رابطه زمانی - وضعی گفته میتوانیم که در سیستم افعال بصورت واضح جنبه زمانی به مقابل یکدیگر قرار دارند: حال، آینده، ماضی، ماضی بعید، پرفکت [ ماضی نقلی ]، پرفکت بعید.

راجع به کتگوری وجوه افعال باید گفته شود که ادات نفی استعمال می شود. (در صورت مثبت کدام علامه ظاهری وجود ندارد).

ادات نفی na/na (در لهجه سریقولی) اشاره به خصوصیت اخباری عمل یا چگونگی می کند. اما ادات mā/mo برای اظهار وجوه دیگر از قبیل وجه امری (مستقیم و یا غیر مستقیم) و التزامی، و وجه که برای ضرورت، احتیاط و غیره بکار میرود؛ مانند: روشنای، برتنگی: na luvd (او نمی گوید)، mā luvd (مَه لُقد = بگذار او حرف نزن، برای اینکه او حرف نزند [ نگوید ])، سریقولی: na lev (نَه لِف = تو نمی گویی، تو حرف نمی زنی) - ma lev (مَه لِف = برای اینکه تو نگویی، حرف نزن [نگو]).

در لهجه سریقولی به استثنای این شکل مخصوص فعل برای اظهار حدس و گمان، فرض بودن (شکل ماضی و ماضی بعید) وجود دارد؛ مانند:

уы халқ моҗы вид (بی خلق مَرَج قُد = آن شخص باید مرده باشد).

از جمله اشکال فعلی که وضع غیر اخباری را انعکاس میدهد، یکی هم شکلی است که مستقیم امر را نشان میدهد. در لهجه های شغنانی، روشانی، خوفی و یک قسمتی از برتنگی نشانه آن عدم موجودیت جزء پسین شخص دوم (مخاطب) مفرد می باشد: مانند: روشانی، برتنگی: *ma luv!* (مَ لُف = نگو)، *mā luv!* (مَه لُف = برای اینکه نگوئی).

در لهجه سریقولی (همچنان بعضی وقت در لهجه اروشوروی) ادات نفی امر منع کردن را نشان میدهد. مثلاً در صورت بودن امر مستقیم ادات *mo lev* (مُ) همیشه موقعیت ماقبل فعل را اخذ میکند که در دیگر حالات متغیر می باشد؛ مانند: *mo lev!* (مُ لُف = نگو)، *lev mo // mo lev* (لُف مُ // مُ لُف = ببین نگوئی [وجد امری تأکیدی « نگوئی »]؛ *mo levd // levd mo* (مُ لُفد // لُفد مُ = شاید نگفته باشد).

بدین ترتیب در سیمت افعال بصورت مجموع (با اندکی تفاوت در شکل) وجوه ذیل وجود دارد: وجه اخباری، وجه امری، و وجهی که نوعیت وضعی را انعکاس می دهد، از قبیل ضرورت مجبوریت، فرضیت و غیره که آنرا وجه التزامی گفته میتوانیم. وجه در شغنانی، روشانی، و برتنگی شامل اشکال فعلی ذیل است:

الف: حال و آینده؛ مانند، روشانی: *čas, day mu garđā mā xirt* (چَس، دَی مُ گَرْدَه مَه خیرت = متوجه باش که او نان مرا نخورد).

ب: شکل پرفکت (به استثنای لهجه برتنگی) مانند، روشانی: *tā may garđā mā xūj* (تَه مَی گَرْدَه مَه خوج = تو این نان را نخورده باشی)، در لهجه سریقولی اشکال ذیل وجه التزامی شامل هستند:

- ۱) حال و آینده: *мы barqo mo bast* (مَی بَرَقُ مُ بَسْت! = بره ام گم نشود).
- ۲) ماضی التزامی: *ы іθč vid* (بَی اِثچ فِید = به گمان او آمد [شاید او آمده باشد]).
- ۳) صورت پرفکت: *мы a-léqaf mo duj!* (مَی اَلِق اَف مُ دُج = شما لباس مرا ندیده باشید).

در گروه زبانهای شغنانی و روشانی معنای اشکال فعلی قرار ذیل است: استمراری، تکراری، اختیاری، مطلقی، خاتمه یافته، پرفکت، و غیره.

در لهجه روشانی و برتنگی شکل مجهول فعل هم وجود دارد که توسط یکجا شدن اصل پرفکت با پسوند *-ák* و فعل معاون [فعل کمکی] ساخته میشود، مانند: روشانی، برتنگی: *sāw: sut* (سَهو = سَت) (شدن)؛

روشانی: *vid čod wiroxč-ák sāwd*. (بید چُد وِرُیخچک سَوَد = این خانه ویران می شود)،

*vid čod wiroxč-ák suj*. (بید چُد وِرُیخچک سُج = این خانه ویران شده است)<sup>۳۴</sup>.

معنی های اشکال فعلی: صورت حال و آینده افعال تمام اعمال که در حال و آینده انجام میشود انعکاس میدهد؛ مانند، شغنانی: *vārum* (قَهْرُم) نظر به متن، دارای معانی مختلف است، از قبیل: می آورم، خواهم آورد، باید بیاورم، و غیره. معنای صورت حال و آینده توسط ادات [انکلیتیک] *[энклитическими]* (بدون فشار) و در شکل نفی توسط ادات نفی تصریح میشود.

شکل ماضی فعل عمل را که در گذشته انجام شده باشد، انعکاس میدهد؛ مانند، روشانی: *az-um sut* (اَزُم سَت) میتواند دارای معنای مختلف: (رفتم، میرفتم، روان بودم) میباشد، علاوه بر این این شکل فعل در جمله تابعی میتواند زمان حال و آینده مطلق را بیان کند؛ مانند، روشانی: *xōm di sut, tar vaј mā naxtēy*. (بِنام دَے سَت، تَر قَج مَه نَبْتَبَی = شام که شد، بیرون نه بر آی).<sup>۳۵</sup>

سریقولی *ca wáxt -ik мы razén ta barqo хыг, waz k-a-di хы razén ты-гі доуам*. (خَه وخت اِک مَی رَزَن تَه بَرَقُ خَیگ، وَزک اَدَے خَی رَزَن تَی رَے دُیَم. = اگر دختر من بره ترا خورد، من دختر خود را به تو میدهم).

<sup>۳۴</sup> در متن ترجمه آمده بود: «خانه ساخته شد» (برای جمله اول) و «خانه آباد شد» برای جمله دوم با متن اصلی سازگاری ندارد.

<sup>۳۵</sup> در متن ترجمه آمده بود: به مجردی که تاریکی شد، به سرک بیرون نشو.

شکل پرفکت برای نشان دان نتیجه عمل گذشته توسط شخص دیگر و یا فعل در گذشته واقع شده و یا خاتمه یافته باشد، بکار می‌رود. شکل ماضی پرفکت بعید سریقولی عین معنی را دارد، مگر برای عمل انجام شده ماقبل استعمال میشود؛ مانند، برتنگی: *sā, žōz- um tā-r vūj* (سه ژازم تهر فوج = برو، من برایت تو هیزم آورده ام)<sup>۳۶</sup>، روشانی: *yid bēgāndi ar-čāy ca az mu ōxnōgōn padad sifoj* (ید بپگهندے آر چھی خه از مو آبنگان پدَد سفُج = امکان دارد یکی از دوستان من به آنجا بالا شده است)، *χyibaθ-am wada č[ə]v[ə]j veδj* (خبیتم وَد چیرج فُجج = ببین قبلاً من خودم وعده داده بوده ام [خودم وعده داده ام]).

شکل ماضی بعید برای حالت های ذیل بکار می‌رود:

۱. عملی که قبل از عمل دیگر اجرا شده باشد و یا عمل زمان بسیار دور گذشته بکار می‌رود؛ مانند، سریقولی: *wi-yan wi putxu m[ə]v[ə]j[ət]*. (وین وے پُتین مِرَجیت = پادشاه آنها مرده بود)<sup>۳۷</sup>.
  ۲. زمان ماضی عمل که انجام شده باشد؛ مانند، روشانی: *qasti mōšin mu δujit* (قَسْتے ماشین مُ دُجیت = نزدیک بود موتر مرا بزند [در شغنانی میشود: قَسگَه موترے مو دَاڈجیت]). در جمله شرطی صورت فعل شد را و عمل غیر حقیقی را نمایان می‌سازد (در سریقولی در حصه نهاد و گزاره جمله حتماً ادات *-ik* وجود دارد)، مانند: *tamāš-af-ik χy ɪlfat-af-ik ca δujit, tamāš dewlat-ik mas wi qati t[ə]y[ə]j[ət]* (تمهش آفیک خی ایلفت آفیک خه دُجیت، تمهش دهولت اک مَس وے قتے تیبجیت = اگر شما دوستی را از بین می‌بردید، آن وقت دارایی شما هم از بین میرفت)<sup>۳۸</sup>.
- صورت التزامی ماضی فعل سریقولی، عمل هدایت شده زمانی را انعکاس میدهد؛ مانند:

*wōδ χálqχeyl m[ə]v[ə]j vewin* (وَد خلق خهیل مِرَج فیهون = آن اشخاص باید مرده باشند).

در گروه زبانهای شغنانی و روشانی فعل دارای مصدر و صفت فعلی است. مصدر دو شکل دارد: - کوتاه و کامل. صورت ساده یا کوتاه مصدر اکثر افعال مشابه به اصل ماضی است؛ مانند، شغنانی، روشانی، برتنگی، خوفی، آراشاری: *nivišt* (نِشْت)، سریقولی: *navišt* (نِشْت)؛ شغنانی: *wift* (وِفت)، سریقولی: *wift* (وِفت)، روشانی، برتنگی، خوفی: *wēft* (وِفت) (باقتن) برای مصدر بعضی افعال بی قاعده تغییر اول ریشه معمول است؛ مانند: روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: *sut* (رقتن). علامه مصدر عبارت است از: شغنانی، روشانی، برتنگی، آراشاری: پسوند *-ōw* (- او) ، سریقولی: *-ew* (- اهو)؛ مانند، شغنانی، روشانی، برتنگی، آراشاری: *nivištōw* (نِشْتاو)، سریقولی: *navištew* (نِشْتیهو) (نوشتن). مصدر در عین زمان اسم فعل هم حساب میشود؛ مانند، خوفی: *tō mōwn pēxtōw-ri yak mō-ta sāwd* (تا ماون پختاو رے یک ما ته سهوَد = تا پختن سیب، یک ماه میشود [صورت ترجمه تحت اللفظی است که معنای اصلی آن میشود: تا سیب پز یک ماه مانده. در شغنانی میشود: تا مون پختبخ یے مهست گه ریڈج]).

سریقولی: *a-di penj cevd usun* ( ا دے پنچ خُفد اُسُن = درو کردن این ارزن آسان است)<sup>۳۹</sup>

سریقولی: *šič niwd-an fuido nist* ( شیچ نیوَد اَن فُیْدُ نیست. حالا گریه کردن بی فایده است).<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۶</sup> در متن ترجمه آمده بود: ببین من برای هیزم آوردم، که ببین باید ترجمه « چَس، روشانی » « چِس » شغنانی است. ولی، ترجمه « سه » بمعنای « برو » است.

<sup>۳۷</sup> در متن ترجمه آمده بود: « پادشاه آن مملکت زمانهای بسیار دور پیش مرده بود»، که با متن اصلی سازگاری ندارد. در زبان شغنانی این متن چنین برگردان میشود: ویف پاتینا مورجیت = پادشاه آنها مرده بود.

<sup>۳۸</sup> این جمله به شغنانی چنین برگردان می‌شود: تمه بیت آگه خو الفت (دوستے) اس دُست خه دَاڈجیت، تمه دولت (دارایی) میسک وے قتی تو بَجَت.

<sup>۳۹</sup> در ترجمه متن اصلی آمده: « جمع کردن این غله مشکل نیست » که با متن اصلی سازگاری ندارد. این جمله به زبان شغنانی چنین برگردان میشود: ا دم پینچ خُداو اَسُون. که « پینچ » به « پینچ » یعنی (ارزن)، خُفد به « خُداو »، و « ا سُن » به « اَسُون » تبدیل شده می‌تواند.

در صورت ساده مصدر سریقولی توسط طرز تشریحی هم بدست می آید.

در تمام این لهجه ها، به استثنای سریقولی یک اسم فعلی وجود دارد که مشابه به مصدر است که از اصل حال با پسوند -i3- ( - اِخ ) با امکانات تغییر اول ریشه ساخته شده باشد؛ مانند، روشانی: xōy - xōyī3 (بنای - بنایخ ) ( تحصیل [خواندن] )، شغنانی: tēx - tēxi3 (تهنِس - تهنِیخ) (تراش، تراشیدن)<sup>۴۱</sup>.

در تمام این لهجه ها صفت فعلی ماضی وجود دارد که از اصل پرفکت با پسوند سریقولی -énĵ-، شغنانی: -in-، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: -īn- ساخته میشود؛ مانند، شغنانی: nivišĉin (نِقشچین)، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: nivišĉīn (نِقشچین)، سریقولی: nivišĉenĵ (نِقشچنج) (نوشته شده).

صفت فعلی که از اصل حال ( به استثنای لهجه سریقولی ) ساخته شده در این لهجه ها در جمله وظیفه فاعل را بدوش دارد (البته به استثنای صفت فعلی لهجه برتنگی و آراشاری که دارای اشکال ذیل است: -ōĵ- (آج، مذکر)، -ēE- (ابخ، مؤنث). اینها توسط پسوند های ذیل ساخته میشوند:

(۱) شغنانی: -ĵĵ- ( - ایچ )، روشانی، خوفی: -ūc/ĵ- ( وُخ / وُج، مذکر)، -ēc/3- (ابخ / ابخ، مؤنث)، برتنگی، آراشاری: -ōc- ( - آخ، مذکر)، -ēc- (ابخ، مؤنث)؛

شغنانی: nivišĵĵ (نِقشچچ)، روشانی، خوفی: nivišūĉ/ĵ (نِقشوچ / نِقشوج)، برتنگی: nivišōĉ (نِقششچ) (نویسنده، نوشته کننده).

(۲) روشانی، خوفی: -on- (آن، مذکر)، -ān- (آهن، مؤنث)، برتنگی: -ön- (مذکر)، -ān- (آهن، مؤنث)، مانند، روشانی، خوفی: nawon (نَوَن)، برتنگی، آراشاری: nawön (نَوَان) (چشم تر، اشک ریز) (مذکر)، در لهجه شغنانی معادل آن وجود ندارد.<sup>۴۲</sup>

صورت صفت فعلی در لهجه برتنگی و آراشاری با پسوند -ē3- ( - ابخ، مؤنث )، -ōĵ- ( - آج، مذکر ) اراده را انعکاس میدهد، مانند: nivišōĵ (نِقششچ) = آماده شده نوشتن [ آماده برای نوشتن ] .

باید یاد آور شد که این صورت صفت فعلی لهجه برتنگی و آراشاری مشابه به صفت فعلی لهجه روشانی است. اما با تفاوت این که صفت فعلی روشانی مانند صفت فعلی سریقولی ساخته میشود.

در سریقولی صفت فعلی حال ( وظیفه فاعل را اجرا می کند ) و صفت فعلی که برای خیال [ تصور ] و اراده بکار میرود، از مصدر حاصل میشود. علامه صفت فعلی حال، پسوند (i)ĉuz است؛ مانند: wazondiĉuz ( وَزَنِدچُز = فهمیده، متخصص ) که با لهجه شغنانی واژه: wizēncōz (وزبنچاز) [برابر است] .

buxt - buxtiĉuz (بُخت - بُختیچُز) (فرستنده) پسوند -meyĵ- ( - مهیچ ) صفت فعلی که اراده را نشان میدهد، میسازد؛ مانند: boxtmeyĵ (بُخت مهیچ) ( قصد کننده فرستادن )، navišmeyĵ (نَقش مهیچ) ( قصد کننده نوشتن). در لهجه روشانی تنها دو فعل این نوع شکل را دارند: tuyd - tē(y) (توید = تپی) (رفتن) - taymĵĵ (تیمیچ)، سریقولی آن tidmeyĵ (تدمهیچ) [رونده، روان] ؛ nost - niθ (نِث - ناست) (نشستن)، nēsmĵĵ (نپسمیچ) (آماده شدن نشستن) سریقولی آن nalistmeyĵ می باشد.<sup>۴۳</sup>

۴۰ این جمله به زبان شغنانی چنین بر گردان می شود: شچ نیوداوند فایده نست (اکنون گریه کردن فایده ندارد).

۴۱ در متن « تهنِیخ » ( تراش شده ) ترجمه گردیده است. تراش شده اسم مفعول است که به شغنانی میشود « تهنِیچین » که به معنای « تراشیده و یا تراش شده » است.

۴۲ بر خلاف ادعای مولف، در زبان شغنانی معال این واژه وجود دارد: « نِهویچ » که برای هر دو مذکر و مؤنث بکار میرود و معنایش (گریان، گریه کننده) « می باشد نه » چشم تر « و یا » اشک ریز « که ترجمه شده است. ویراستار.

۴۳ در زبان شغنانی هم معادل اینها « تدمیچ » و « نپسمیچ » است.



## قید:

قید کلمه بی است که تنها وظیفه چگونگی انجام یافتن فعل را بیان میکند و در این لهجه ها بسیار کم بچشم میخورد؛ مانند، شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: vō (فا)، سریقولی: wuz (وَز) (دوباره، [باز])؛ شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: tām (تَهَم)، سریقولی: tom (تام) (همان وقت)؛<sup>۴۴</sup> شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: Bal (غل)، سریقولی: nɛw3/z (نِهوُخ / نِهوُز = هنوز)؛<sup>۴۵</sup> شغنانی، سریقولی: šic (شیچ = اکنون، حالا، فعلاً)، و غیره.

باید گفت که ضمیر – قید از پیوند اصل ضمیر و قید با پیشینه و یا پسینه حاصل میشود، اصل ضمیر و قید مانند ضمائر اشاره به سه ردیف تقسیم شده اند: قریب، بعید و وسط (نزدیک، دور، و میانه).

جدول نهم:

لهجه ها				ردیف
سریقولی	برتنگی	روشانی – خوفی	شغنانی	
ым, um	-um-	-am-	-am, yam	بعید
-	-ēd, ē-	-ad, a(d)-	-ēd, yed-	وسطی
εWd, od	-ūd, ū-	-aw, ū(d)	-ū(d), yūd-	قریب

در سریقولی امکان استعمال اصل ساده وجود دارد؛ مانند: εwd (اِهوُد)، od (آد) (در مقایسه با شغنانی tarūd (تَرُود)، روشانی، خوفی: taraw (تَرَو)، برتنگی، آراشاری: tarud (تَرُد) (اینجا).

ым, um (اوم، ام) (آنجا) (در مقایسه با شغنانی، روشانی، خوفی: taram، برتنگی، آراشاری tarum). در استعمال این ضمیر قید ها، پیشینه ها و یا پسینه ها معنی اصل را تثبیت می کند؛ مانند، شغنانی: padūd (پَدُود)، روشانی، خوفی: padaw (پَدَو)، برتنگی، آراشاری padūd (پدود) (اینجا، بلند، به اینجا، به بالا)، شغنانی: arūd (ارُود)، روشانی، خوفی: araw (ارَو)، برتنگی، آراشاری: arūd (ارود) (اینجا «در حصه پایینی»، به اینجا). [aram شغنانی هم وجود دارد. آنجا در حصه پایینی. – ویراستار].

بصورت عموم اسم و صفت منحيث قید هم استعمال میشود (با پیشینه ها و پسینه ها و همچنان بدون آنها). استعمال اسم مانند قید اکثراً توسط ادات aθ- (اَت) در جمله نشان داده میشود؛ مانند، روشانی:

dāδ-an ar aray qarōraθ niuβxt (دهدَن ار آری قرارَت نَعْبِت = آنها هر سه آرام گوش گرفتند).<sup>۴۶</sup>

سریقولی: xы zinal-ir kыt-aθ navišt. (خی زَنَل ار کَيْت نَفِشَت. = بطور کوتاه برای عروسش نوشت)<sup>۴۷</sup>

پسوند قیدی عبارت است از: شغنانی، روشانی: ast- مثلاً xappast (بَسَبَسَت = زود، بسرعت)، شغنانی: aĵōw-، روشانی: aĵūw مثلاً در: siwōraĵūw («طرف بالا») و غیره.

<sup>۴۴</sup> مترجم واژه «تیم» را «بعداً» ترجمه نموده، در حالی که تیم به معنای «همان وقت»، «در همان لحظه» است. معادل «بعداً» در شغنانی واژه «بعد» است که «بهد» تلفظ میشود.

<sup>۴۵</sup> مترجم واژه «غل» را «باز هم» ترجمه نموده است. غل بمعنای «هنوز»، و «غَلَت» به معنای «تا هنوز» است. در زبان شغنانی «فاگه» به معنای «باز هم» است.

<sup>۴۶</sup> در زبان شغنانی این جمله میشود: دهدن اره فیر قرارَت نعبت. واژه «قرارَت»، گاهی بطور «قرارکے یت» می آید که معنای آن «مخفیانه» است. به قرارکے یت تَرَم سَت. او زن مخفیانه آنجا رفت.

<sup>۴۷</sup> در متن ترجمه متن آمده بود: «بصورت خلاصه در نامه به عروسی خود نوشت». به زبان شغنانی جمله بالا چنین برگردان میشود: «خو زَنِر اَرَدے کُنْت نَفِشَت.»

## پیشینه ها و پسینه ها:

در گروه زبانهای شغنانی و روشانی پیشینه های ذیل وجود دارد:

۱. pa (شغنانی، خوفی: pi)، ar، tar اشاره به مکان، جهت و استقامت میکنند. Pa بر خلاف ar جهت و استقامت بالا را نشان داده و tar جهت عادی را نشان می دهد؛ مانند، سریقولی: pa daraxt-I paδévd (په درختی پدقد = به درخت بالا شد).<sup>۴۸</sup>

روشانی: dāδ-an tāyd tar χu êod. (دهد آن تهید تر خو چد = آنها به خانه خود رفتند). wuz ar xac zibanum (وز آر بنخ زبَنُم = من در آب خیز میزنم).

۲. az (در شغنانی و خوفی معادل آن as است) پیدایش، سرچشمه، منبع، علت، و یا مقایسه را نشان می دهد؛ مانند: روشانی:

az dišat (از دِشَت) (از بام) [در زبان شغنانی میشود: as dišīd «آس دیشد»]، سریقولی: δēs-at pin3 az sulogī (دِپس ات پنخ از سلُگِی (از سن پانزده سالگی)، سریقولی: az xu] (از بنخ = از ترس [در شغنانی میشود: آس بناج]؛

روشانی: az-um az way χayde (ازُم اظ وِی خَی دے = من از او کلانتر هستم).

علاوه بر این پیشینه az (در شغنانی و خوفی as) میتواند اشاره به مفعول مستقیم کند؛ مانند، روشانی: az way êod wunum (از وِی چد وُنُم = آن خانه را می بینم)؛ در سریقولی در این قسمت ā- استعمال میشود؛ مانند، a-wi êed weynam (اوه چد وهینم = آنرا خانه را می بینم).

۳. pas (در شغنانی و خوفی pis) در تمام این لهجه ها (به استثنای سریقولی) جهت، استقامت و هدف را نشان میدهد؛ مانند، شغنانی: pis zīz sām. (پیس زیز سَهَم = من بخاطر هیزم میروم)، pas در لهجه سریقولی جهت دور کدام شی و مستقیماً علت چیزی را نشان می دهد؛ مانند، pas daryu-af ķerd (پَس درِیو- آف غرد = آنها به زحمت از دریا گذشتند)؛

i lagan nuš i pas kanayzák wi-ri buxt. (ا لَگَن نُش اِ پَس کَنَیَزَک ورے بوبخت = او توسط کنیز برایش یک کاسه زردالو روان کرد. [این جمله به شغنانی چنین برگردان میشود: یے لگن ناشے پس کنیز کت و رد بابت. - ویراستار].

۴. par در لهجه های روشانی، خوفی، برتنگی، و آراشاری وسیله را نشان میدهد؛ مانند، par χu δost (با دستان خود)، در سریقولی استقامت یا مکان را منعکس میکند (البته در صورت بودن فعل واقع بودن؛ مانند: par ta (به عقب تو)، par peδ (پَر پیڈ = زیر پای).

۵. در شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، پیشینه tō (تا) و در سریقولی to (ت)، حد و اندازه را (معمولاً با پسینه --- ēc (-ایخ) شغنانی، -ac (-اخ) برتنگی، روشانی، خوفی و آراشاری، -ic (-ایخ) سریقولی استعمال میشود) انعکاس میدهد؛ مانند، شغنانی: as zul tō kattā-yēc (اس خُل تا کتّه پیخ = از خورد تا بزرگ)؛ سریقولی: to χer nalist-ic (تا خر نَلِستِیخ = تا آفتاب نشست).

۶. پیشینه های سریقولی: çî (چے) و ma (م) در دیگر لهجه این زبانها به پیشوند های واژه ساز تبدیل شده اند. در یزغلامی ma هنوز وظیفه پیشینه را اجرا می کند؛ مانند، شغنانی: çî-pāli (چپهله = به پهلو)، روشانی: çî-pēc (چے پیخ = به رو افتاده، به رو انداخته)، شغنانی: mi-βū (میغور)، روشانی، خوفی: ma-βū, ma-ū (م و -مغور)؛ خوفی: ma-βūw (مغور) (به بغل)، در لهجه سریقولی پسینه çî معنای زیادی را افاده می کند، از قبیل مکان و استقامت طرف بالا، پیدایش و سرچشمه از داخل مسلسل بودن، عوض وسیله و غیره: paχtyg-i çî šoχ (نَبَنَتِیگے چے شاخ = او به شاخه بالا شد).

çî zabu daruzō (چے زَبُ دروزا = از دروازه عقبی [به شغنانی میشود: اس زبا درقازه])؛

<sup>۴۸</sup> شاید معادل فعل «پدقد» سریقولی، فعل «پدوقد» شغنانی است که معنایش «چسبیدن، و یا آویختن» است، که در اینصورت معنایش میشود: او به درخت آویخت/چسبید.

a-rajūr êi tilu êoy zozd? (ا رَجور چے تیلو چای زازد = کی از ذغال طلا می گیرد؟) [ در ترجمه متن اصلی آمده بود: کی ذغال را به طلا تبدیل می کند؟ در شغنائی میشود: اس نیز ار ته طلا چھی زهزد؟ ]

پیشینه ma نشان دهنده وقت، جهت و مکان است.

الف: a-di gap xid ma zamum? ( ا دے گپ بنبد مه زمن؟ = چه وقت این گپ را شنید؟)

ب: نشان دهنده امتداد، جهت و مکان: wi ma padéf yot-am ( وے مه پدَف یاتم. = من نزدیک / جای / پای او رفتم. )<sup>۹</sup>

پیشینه های bi, dar, bar (be سریقولی)، ba, barōyi (baruyi = سریقولی) در دری هم وجود دارد.

خصوصیات پیشینه های لهجه سریقولی (به پیشینه هایی که در تاجیکی هم است).

عبارت است از ارتباط با اسمیه ها و صفت (به استثنای صفاتی که صفت ضمیر اشاره و یا در ترکیب خود صفت ضمیر اشاره را دارد؛ مانند: ləwr daruzo pa divér. (لهور درز په دفر. = بطرف دریچه دروازه بزرگ)؛ wi pa céd. (وے په چد = در خانه اش)؛ ar mi qydyk (ار مه قیدیغ = در این چاه)، pa di maðon ðer (په دے مدان ڈر =)، از پیشینه های ذیل میتوان نام برد.

۱. شغنائی: -andi // -andīr (اندیر = اندے)، روشانی و خوفی: -andi، برتنگی و آراشاری: -indēr (- اندیر)، سریقولی: -inder این پیشینه در شغنائی، روشانی، خوفی، برتنگی، و آراشاری موقعیت داخلی و در لهجه سریقولی مکان و موقعیت (در حضور شخصی) را نشان میدهد؛ مانند، شغنائی: cīt-d-andīr (چید اندیر = در خانه)، سریقولی: kōc-inder (غاخ اندیر = نزدیک دختر).

۲. شغنائی: -and، سریقولی: -an- روشانی، برتنگی، آراشاری: ā (آه). این پیشینه در شغنائی مکان را نظر به متعلقات و وسایل و در لهجه های باقیمانده تنها وسایل را انعکاس میدهد؛ مانند، شغنائی: cīt-d-and (چید اند = در خانه)، سریقولی: mās-an (مسن)، روشانی، برتنگی، آراشاری: māš-ā (مَهشَه) (از ما) [ در زبان شغنائی پیشینه -and- ضمیر مالکیت را میرساند. مانند: تَمند = از شما، وبقند = از آنها، رستم اند = از رستم، مال رستم).

۳. -ard، -rad (بجویی: -ird، -rid)، روشانی: -ri، -ar، خوفی: -ard، -ri، -ird // -ri، -ard، آراشاری: -ri، سریقولی: -ir (بعد از کانسوننت می آید)، -ri (بعد از واول موقعیت دارد). این پیشینه ها در شغنائی موقعیت را بدون اشاره به جای معین نشان میدهد: cīt-d-ard (چید آرد) (کدام جای در خانه)، در روشانی و خوفی هم به همین ترتیب است، روشانی: cōd-ari (چد آرد)، خوفی: cōd-ard (چد آرد) (کدام جای در خانه). در روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری، و سریقولی: -ri (-rd) (خوفی) اشاره به آدرس عمل، اهمیت و هدف، و در برتنگی، آراشاری: -māš-ri (مَهش رے)، سریقولی: -māš-ir (مَش رے)، (مَش رے) (به ما، مارا)، شغنائی: xīdōw-ri (خیداو رے)، روشانی، خوفی: xīg(ōw)-ri (خیگ رے / خیگاو رے)، برتنگی: xēg(ōw)-ri (خپگ رے / خپگاو رے)، سریقولی: xīg(ew)-ir (خگیر / خگهو ار) (برای خوردن). برتنگی: tar xu cōd-ri (در خو چاد رے)، سریقولی: xī cēd-ir (خی چد ار) (طرف خانه خود). [ به شغنائی میشود: تر خو چیدهج ]

۴. شغنائی: -ēc (- ایخ)، روشانی، خوفی، برتنگی، آراشاری: -ac (- اخ)، سریقولی: -ic (- ایخ) معمولاً اندازه را (اغلباً با پیشینه tō «تا») و در سریقولی با پیشینه to استعمال میشوند و در شغنائی، آراشاری و سریقولی اوقات قدرت و قوت انجام عمل را نشان میدهد؛ مانند: شغنائی: tō tīramō-yic (تا تیره ماه بیخ) (تا تیرماه، تا خزان)، آراشاری: cēg-ac mā ða! (چپگ آخ مه ده! با کارد نزن!) [ در شغنائی میشود: چهد قتے مه دے! ]

<sup>۹</sup> ترجمه این جمله نا سازگار به نظر میرسد. در اینجا «یاتم» معنی «آمد» را می دهد، نه «رفتم» را. در زبان شغنائی: «پاڈف»، کشیده تر تلفظ می شود، مانند: پاڈف، که معنای «طرف پایان، پایانی» را میدهد. زَمخ پاڈف = قسمت پایانی زمین. اما در جمله فوق «پاڈف» سریقولی، برابر با «پیڈ» که معنای آن «پی و قدم» است و صورت جمع آن «پیڈین» (پی ها، قدم ها) است. به زبان شغنائی این جمله چنین بر گردان میشود: وے پیڈ (پیڈین) تے یُم یت. که معنای اینست: رد پای او را گرفته، آمد. ۵۰ در اینجا از طرف مؤلف اشتباه صورت گرفته: در زبان شغنائی میشود: خیداو آرد (برای خوردن، خوردنی). - ویراستار.

۵. شغنانی، آراشاری، سریقولی: qati (قَتَی) (همچنان qatīr (قَتیر) در شغنانی)، روشانی، خوفی: qatay (قَتَی)، برتنگی: qatī (قَتی)، یکجا بودن و وسایل را انعکاس میدهد؛ مانند، روشانی: mu qatay (مُ قَتَی)، سریقولی: мы qati (می قَتَی) (با من، همراهی من)، شغنانی: fay qatīr (فَی قَتیر)، سریقولی: فیهی قَتَی (با بیل، با راش بیل).
۶. شغنانی، روشانی، خوفی: avēv (اَفَین)، برتنگی، آراشاری: avān (اَقَهِن)، سریقولی: avon (اَقُن)، علت و مشخصات را نشان میدهد؛ مانند، شغنانی، روشانی، خوفی: mu avēn (مُ اَفَین)، برتنگی، آراشاری: mu avān (مُ اَقَهِن)، سریقولی: мы avon (می اَقُن) (بخاطر من، از خاطر من، برای من) [در زبان شغنانی: مترادف «اَفَین» و «اَقَهِن» مترادف «جَهت» هم بکار می رود: مثلاً: تو جهت (بخاطر تو).
۷. شغنانی: ja (ج)، روشانی، خوفی: jo (جُ)، برتنگی: jō (جَا) اشاره به بودن به حضور شخصی و یا با شخصی می کند؛ مانند، روشانی: māš-jo ōsil lap sut. (مَهش جا اَسیل لَپ سَنت = در جای ما حاصل فراوان شد [در ترجمه آمده بود: غله ما زیاد حاصل شد]. باید یاد آور شد که معادل آن در لهجه سریقولی وجود ندارد. [به نظر من مؤلف در اینجا اشتباه کرده است. در جمله فوق jō (جُ) معادل jōy (جای) است که معنای «محل، منطقه» را میدهد و با تعریف فوق سازگاری ندارد. در اصل، هدف از پسینه ja است که معنای آن (در پیش، و یا: در نزد) می باشد. مانند: احمد جه = در نزد احمد، و همچنان پسینه دیگر هم وجود دارد که «خبز» است. تر احمد خبز = در پیش احمد، در نزد احمد. شاید معادل این واژه ها در لهجه سریقولی هم وجود داشته باشد. - ویراستار).
۸. پسینه duδ (دُذ) به معنای اضافه نمودن با چیزی است و qyšo (قیش) به معنای «پهلوی» است که تنها در لهجه سریقولی وجود دارد و بس؛ مانند: wi kol gymbáz duδ (وے کُل گیمبَز دُذ = سرش مانند گنبد است)، мы qyšo naθt (می قیشا نَتت. در پهلوی من نشست). [بر خلاف ادعای مؤلف، معادل پسینه «دُذ» در شغنانی هم وجود دارد که عبارت از «داذ گه» است. جمله بالا در زبان شغنانی میشود: وے کیل (ویا: کهل) گمبَز داذ گه (سرش به اندازه گنبد است، سرش به گنبد می ماند، سرش مانند گنبد است. در زبان شغنانی، مترادف این واژه، واژه های دیگر هم وجود دارد، از قبیل: میغونُد، جناو، دستور، رهنگ تیر (مانند، مثل). داذگه به معنای «به اندازه» است. مانند: بنیج داذگه (به اندازه برزه گاو)].
- پسینه های اسمی ذیل وجود دارد؛ مانند، شغنانی: -t // -tiv، روشانی و خوفی: -tī، برتنگی: tör، سریقولی: ter (از بالا، بالای)، و همچنان بعضی دیگر معنی ها را هم احتوا می کند؛ شغنانی: χēz (خبز)، روشانی، برتنگی، خوفی، آراشاری: χīz (خبز)، سریقولی: χeyz (خهیز = پهلوی، پیش)؛ شغنانی: bīr (بیر)، روشانی: abe, bēr، سریقولی: baber (در پایین)؛ شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی p(i)rō (پرا)، سریقولی: pyrud (پیرُد = جلو، پیش)، شغنانی، روشانی، خوفی: zibō (زبا)، سریقولی: zabu(j) (زَب / زبُج = عقب).

## حرف ربط:

در گروه زبانهای شغنانی - روشانی [حرف ربط] قرار ذیل است:

۱. شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: at و -at، سریقولی: -at (در بعضی لهجه ها همچنان atā، -atā هم وجود دارد). این حرف ربط دو واژه با هم مساوی و دو عمل در یک زمان اجرا شده را با هم ربط می دهد؛ مانند، برتنگی:
- yā pōnd tēzd-at sōz luvd (یَه پاند تیزدَت ساز لُقد (او در راه روان بود و بیت میخواند).
- خوفی: pūl vā-yatā, dākum tā-rd garōā (پول قَه یَنَه، دَهکُم تَهرد گَرَدَه = پول بیاور و من برایت نان میدهم).
- استعمال این حرف ربط در صورت مقابله و مقایسه هم به چشم میخورد (البته به استثنای سریقولی)؛ مانند، خوفی:
- day χu vūrj vūg-atā, māš vūrjēn-i na vūg (دَی خو قورج قوگ اته، مَهش قورجبنه نَقوگ = او اسپ خود را آورد، ولی اسپ های ما را نیاورد).

۲. برتنگی، شغنایی، روشانی، خوفی:  $\chi u$  (خُ) (در بعضی لهجه‌ها همچنان  $\chi o$  (خا) هم وجود دارد). سریقولی:  $\chi y$  عبارت است از حرف ربط که تسلسل عمل‌های انجام شده را نشان میدهد؛ مانند، سریقولی:  $t\epsilon w a-gyl zo\zeta \chi y n\acute{a}xte!$  (تیهو آ گیل زاز خی نَبَنَتے!) (تو گل را بگیر و بیرون شو!) [به شغنایی میشود:  $tu yi gul zi \chi u naxti!$  (تو بیے گل زے خو نَبَنَتے)].

۳. شغنایی، روشانی، خوفی:  $didi$  (دِده)،  $(y)idi$  (یِده)، برتنگی، آراشاری:  $di$  (دِده) که در قسمت گزاره جمله گفتار مستقیم و جمله‌یی که در آن اشاره به غیر مترقبه بودن فاکت شده باشد، آنها را ارتباط میدهد؛ مانند، شغنایی:

$wam p\acute{e}xc\acute{e}n didi: tu-ja m\acute{o}l \acute{c}i?$  (وَم پَبَنخَبَن دِده: تو جَه مال چے؟ = از او پرسان می کنند که: حیوان تو چه است؟) [این جمله در زبان شغنایی چنین گفته نمی شود. شاید مؤلف عبارات را از لهجه‌های مختلف با هم ادغام کرده است.].

روشانی:  $uf \acute{c}oxt didi, uf \acute{a}w\acute{o}l lap tang.$  (اف چُخت دِده، اف احوال لپ تنگ. = آنها دیدند که موقف آنها بسیار بد است. [آنها ملاحظه نمودند که در مضیقه قرار دارند.]. روشانی:  $indayd-an ar way \acute{c}od idi, y\acute{a} nist.$  (انْدیدَن آر وی چاد اده، یه نِست. = آنها به خانه او رفتند که او نبود). در لهجه سریقولی معادل این حرف ربط  $iko$  (اِکا) میباشد؛ مانند:

$\acute{c}yxt iko, w\acute{o}d-af xuvd dar\epsilon w-i tyud.$  (چینِست اِکا واڈَف بَنُود دَر هُوے تَیید. = (آن زن) دید که آنها خواب هستند، دفعه‌تاً برگشت).<sup>۱</sup>  $yot iko, wi yin nist.$  (یات اِکا، وے یرن نِست. = او آمد مگر زنش نبود).

۴.  $ca$  (خَه) حرف ربط که در جمله شرطی دیده میشود؛ مانند، روشانی:  $ik-duf \acute{c}i\acute{z}\acute{e}n, mu t\acute{a}-ri ca d\acute{a} \acute{c}u\acute{g}.$  (اِک دُف چیزین، مو تَهَرے خَه ده چوگ ... = آن چیزهایی را که من بتو دادم ...)،

سریقولی:  $\acute{c}er ca na ka, ma\acute{s} a-\acute{c}eyz \chi oran?$  (چِر خَه نَکَه، مَشَه چَهِیز خُرَن؟ اگر تو کار نکنی، ما چه بخوریم؟)<sup>۲</sup>

حروف ربط دیگر در این لهجه‌ها عبارتند از: شغنایی، روشانی، برتنگی، خوفی:  $y\acute{o} \dots y\acute{o}$  (یا ... یا)،  $yu \dots yu$  (ی ... ی) (یا ... یا)، روشانی:  $\acute{a}m \dots \acute{a}m$  (اهم ... اهم)، سریقولی:  $om \dots om$  (ام ... ام) (هم ... هم)؛ روشانی:  $na \dots na$  (نه ... نه)، روشانی:  $\chi\acute{o}y \dots \chi\acute{o}y$  (خای ... خای)، سریقولی:  $\chi y \dots \chi y$  (خیی ... خیی) (هر چند ... هر چند) [خواه ... خواه؛ چه ... چه]، شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی، سریقولی:  $agar$  (اگر) [این حروف ربط در لهجه شغنایی هم وجود دارد. حرف ربط «اگر» در شغنایی «اگَه» تلفظ می شود. اگَه تو سهوے، وَز میس سَهَم (اگر تو میروی، من هم میروم).

## ادات:

ادات در این لهجه‌ها قرار ذیل است:

۱. شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی:  $(y)k-$ ، سریقولی:  $'ki/yl-$ ،  $'myki/yl-$ ، این ادات تأکیدی و اشاره اند؛ مانند: برتنگی:

$ind\acute{o}j k-ar w\acute{i} awl\acute{i} dar\acute{u}n$  (انْدیج کَر وی اولی درون = آواز آن دروازه آمد [به نظر من مؤلف این جمله را به روسی هم اشتباه ترجمه نموده است. در زبان شغنایی این جمله چنین برگردان میشود: دَبْج کَر وے اولے درون = که وارد شده در داخل همان حویلی].

سریقولی:  $my-yan i safe ky-\acute{s}ud ar ma\acute{d}on woxt.$  (مِی یَن اِسَف کِی شُد آر مَدان وُبت. = یک موزه من در میان [همین] چاه افتاد).

۲. شغنایی، روشانی، خوفی:  $-ta-$ ، برتنگی، آراشاری:  $-ti-$  ادات تأکیدی است:

<sup>۱</sup> در ترجمه متن آمده بود: آن زن دید که آنها خواب هستند، فی الفور گریخت. این جمله به زبان شغنایی چنین برگردان میشود: یه یے چوبنت اده و هڈبن بنهفُخ، یه دَرَوُت تاید.  
<sup>۲</sup> این جمله به شغنایی چنین برگردان میشود: یے چیر خَه نَکِنے، مهش ته چیز خَهَرَهَم.

الف: عمل انجام شده فی الحال را نشان میدهد؛ مانند، روشانی: id-ta cîz luvd? (اد ته چیز لُفْد؟ آن چه میگوید؟).

ب: اداتی هستند هستند که طویل بودن، تکرار و عام بودن عمل انجام شده را در زمان حال نشان میدهد؛ مانند، برتنگی:

sud yi cöd di, yi kampîr arum namöz-ti kixt. (سُد بے چاد دے، بے کمپیر اَرُم نماز تے کینت. = او به یک خانه رفت که آنجا یک پیره زن نماز میخواند).<sup>۵۳</sup>

ج: اداتی اند که اطمینان عمل انجام شده زمان آینده را نشان میدهند؛ مانند، روشانی: yā-ta θiwat aram (یَه ته توت اَرَم = او در آنجا میسوزد [ در متن ترجمه اصلی آمده بود: « قسمی که او گرم شد» که با متن اصلی سازگاری ندارد. - ویراستار).

ادات ta/i (ته / تے) در سریقولی معادل آن ik میباشد؛ مانند، ko juy-ik so? (کا جُی اِک سا؟ = کجا میروی؟ [ در شغنانی میشود: کَهجَه ته سَهوے؟ کجا میروی؟ کجا خواهی رفت؟ ]؛ jārindo-yik od jār na kaxt. (جَرِندا یک اَد جَر نَکَبنت. = پرندۀ ای در اینجا پر نمی زند. [ ترجمه متن چنین بود: « پرندگان اینجا پرواز نمی کند » که تقریباً بی معنی به نظر میرسد. به شغنانی جمله بالا چنین بر گردان میشود: بے پرندۀ یُودند پَهر نثید [

مگر ادات ik- همچنان در صورت بودن عمل انجام شده ماضی در جمله شرطی استعمال شده باشد، هم استعمال میشود:

уы-уік k-a-wі армытэф парадуд (بی یک کهوے اَرَمی تَف پَرْدُ د = او این ناک ها را فروخته است)؛ yád-ik žit veđj-u (بِدک ژت فِدْجُ = اگر او شخص خراب باشد. [ گمان می رود این ترجمه درست جمله نیست. واژه « ژت » در زبان شغنانی به معنای « رد شده، محروم شده » است. مانند: بے چَبَنے خو بَحْنین ژت چود. آن ماکیان چوچه هایش را رد کرد (قبول نکرد) ]؛

tamāš-af-ik хы ыlfát-af-ik са дујіт (تَمَهش اَفِیک خَی اِلفَت اَفِیک خَه دُجِیت. = اگر دوستی خود را فدا میکردی [اگر الفت تان را از دست میدادید... ]).

۳. (y)a این ادات تنها در لهجه سریقولی وجود دارد و بس که موقعیت شک و تردید، آرزو و ضرورت و غیره را انعکاس میدهد؛ مانند: pa beyl-a xac óld-o (پَه بیهیل ا بَنخ اَد ا؟ مگر در بیل آب نگهداری میشود؟ [ آیا با بیل آب گرفته میشود؟ ]؛ pas di-ya vid (پَس دیه فِید. به گمان او همین جا کدام است. [ این ترجمه خیلی نا مانوس به نظر میرسد. شاید ترجمه آن چنین باشد: « شاید در همین جا باشد »).

۴. شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: (y)ō (یا / آ)، سریقولی: (y)o (ی، ا)، ادات پرسشی اند؛ مانند، برتنگی:

tū-at nūr yát-ō? (تو ات نور یَتَا؟ = آیا تو امروز آمدی؟)، روشانی: xafā-t sūt-o (خَفَهت سُتَا؟ آیا خفه شدی؟).

۵. روشانی، خوفی: ō (آ)، برتنگی ā (اه)، سریقولی: a (ا) (بلی)، خوفی: ō tāw-ta δādam (آ تو ته دَه دَم = بلی، ما بتو میدهم).

۶. شغنانی، سریقولی: nay (نَی)، روشانی، خوفی، برتنگی: nā (نَه) (نه، نخیر، نی): (ادات نفی است)؛ مانند، سریقولی:

nay, waz na tézam. (نَی، وَز نه تَخَم. نخیر، من نمی روم).

۷. شغنانی، روشانی، خوفی، برتنگی: (y)ō, ē(y), a(y), سریقولی ε(y), ā(y) ادات ندایی اند؛ مانند، سریقولی:

a yaχ ты-гі пыг çeyz сыт? (ا یَخ تی رے نیر چهیز سیت؟ = ای خواهر، امروز ترا چه شده؟ [ در شغنانی این جمله میشود: ا یَخ تَرَد نُر خَه سَت؟ ]

<sup>۵۳</sup> در متن ترجمه آمده بود: او به یک خانه رفت که آنجا زن پیر عبادت میکرد.

## ساختار جمله:

اجزای مهم جمله عبارت اند از: مسند الیه، مفعول مستقیم، مسند، موقعیت مسند الیه ماقبل مسند در لهجهٔ روشانی و خوفی ثابت بوده و دارای اهمیت می باشد، زیرا در جمله ای که فعل متعدی وجود داشته باشد، نه تنها صورت مسندالیه و مفعول تغییر نمی خورد بلکه صورت مسند الیه با مسند مطابقت هم ندارد؛ مانند: *mu way wunt* (مُ وِی وُنت = من اورا دیدم) در صورت ترتیب دیگر معنی دیگر بخود میگیرد؛ *way mu wunt* (وِی مُ وُنت = او مرا دید)، در لهجه های دیگر مسند الیه و مسند (مفعول مستقیم) همیشه صورت معلوم میشود؛ مانند، شغنانی: *wuz-um wi wīnt* (وُزُم وِی وِینت)، برتنگی: *mum-um az wī wīnt* (مُمُم از وِی وِینت)، سریقولی: *wáz-am a-wí wand*. (وَزَم اَوِی وُند) (من اورا دیدم).

باید یاد آور شد در سریقولی که موقعیت اجزای نحوی (پیشینه یا علامهٔ مفعول مستقیم) که ارتباط مستقیم با اسم مشخص شونده داشته باشد (به استثنای ضمیر اشاره) قسمی که قاعده است بین مشخص شونده و مشخص کننده می باشد؛ مانند، شغنانی: *bašānd êtd* (بَشَهَند چید) روشانی - خوفی: *bašānd êd* (بَشَهَند چِد)، برتنگی: *bašānd êd* (بَشَهَند چاد)، سریقولی: *êd êd* (چَرَج چید) (خانهٔ خوب)، شغنانی: *pid êtd* (پید چید)، سریقولی: *ato êd* (اتا چید) (خانهٔ پدر).

## واژه ها:

قسمت اساسی واژه های گروه زبان های شغنانی - روشانی آریانی شرقی و واژه هایی که در دیگر زبانهای پامیری بشمول یزغلامی وجود دارد، تشکیل میدهد. واژه های این لهجه ها در بین خود به استثنای سریقولی بسیار کم فرق می شوند. ویژگی های واژه های سریقولی عبارت اند از موجودیت واژه هایی که در دیگر لهجه ها از بین رفته است و همچنان اقتباسی از زبان اویغوری دران زیاد به چشم میخورد. برای مقایسه بعضی واژه ها را بطور مثال می آوریم:

شغنانی	روشانی - خوفی	برتنگی	سریقولی	یزغلامی	واخانی	اشکاشمی	ترجمه
rizīn	rizēn	razēn	razen	ɔɔɪd	ɔɔɪd	wũdũɪɪ	دختر
ɣin	ɣan	ɣan	ɣin	ɣaton	kənd	kuç	همسر
êdr	êur	êdr	êur	wex	ðāy	mol	شوهر
kiðā	kaða	kaðā	kaðo	kaðag	kaš	zoman	بچه
žow	žow	žaw	žew	xān	ɣbīw	ɪu	ماده گاو
wūrj	wurj	wurj	xiθp	warg	šapt	urk	گرگ
pīc	pēc	pēc	pec	ri	ruy	Pʃt	روی
êtd	êod	êod	êed	kũd	xũn	xon	خانه
x	xac	xac	xac	xex	yapɪ	vek	آب
ter	tēr	tor	tor	wũɣn	sbīw	šu	سیاه
bašānd	bašānd	bašānd	êarj	xasa	baf	fri	خوب
ara(y)	aray	arāy	aroy	cũy	trũ(y)	rũ(y)	سه
lũv	luv	luv	lev	laf	xan	ɣaž	بگو
ðāð	ðāð	ðāð	ðo	jav	rand	day	بده

## متن قصه سه برادر

متن شغنانی:

vuđj na vuđ, j aray vrōdēn vadj. ٢. diyũn vrōdēn yi as yi nān yīw as yi nān. ٣. wēn-and-ēn aray šīg vic. ٤. yu zulik χund pōyd, wād katanakēn χund na pōyēn. ٥. yi mēθ-at yum is χund-I na peyd. ٦. wād wi virōdarēn-ēn wi šig zīd. ٧. yu yat didē, wi šig nist. ٨. dađ-i ik-am-ard xikūd, wi murđā-yi vūd. ٩. zōxt-i χu, sut tar dāxt. ١٠. tamōšo-yi cūd; yi xitur as pirō yat. ١١. Yu dađ wám-i anjūvd-i χu, šīg wiχin-at wi kaθ-riš mōlt-i wam xitur bevard. ١٢. cūxt-i: wam xitur sōyib yat. ١٣. Yam šīgdōr daraw nīwd sut, lūd-i: a virōd, tu xitur mu šig-i χūd. ١٤. yu lūd-i: “é virōd, dis mā lūv, xitur-ta as šīg naχīrt”. ١٥. yu lūd: “dam be v cīs, wiχin-at kał-rišin, wuz pōdxō χēz sām, dōd kinum. ١٦. yu xiturdōr lūd-i: “é virōd dođ mā sa, mu xitur tu šīg qarz-andi”, ١٧. yu kiđa wam xitur-i sawōr sut χu, tūyd. ١٨. wi virodār-ēn cūxt didé, wēv virōd xitur sawōr-at yat. ١٩. lūd-ēn: “é badbaχt, dam xitur-at as kā vūd? yid cīnd? ٢٠. yu-lūd-i: “mu šīg-ēt zīd, wuz-um wi murđā parđōd, xitur-um zōxt. ٢١. wād-ēn mis xu šagēn zīd xu, wēv murđā-yēn yōd tar bōzōr. ٢٢. mardum-ēn pēxst: “yid cīz?” wād-ēn lūd: “yam šīg murđā, xitur-ti dādām”. ٢٣. Mardum-ēn lūd: “é bēaqliyēn, šīg murđā-ta iā-ta iyōr xitur-ti na zēzd”. ٢٤. Wād-ēn as χu kōr sat xar mindā χu tōyd-ēn. ٢٥. χu šagēn-ēn zīd, ná-yēn xitur vūd, na šīg. ٢٦. dáđ-ēn tar yakdigar muslāt cūd didé: “yid badbaχt māš-i abrat đod, māš di nān zīnān”. ٢٧. dáđ-ēn wi nān zīd. ٢٨. yu saβīrā sut. ٢٩. χu nān murđā-yi markāb-ti sawōr cūd, nīwd-iχu, yat yi jō-ndīr. ٣٠. yi cōrik sér zēzd. ٣١. yu nūst, markāb sat tar sér. ٣٢. yu cōrik markāb-i đōd qīmb. ٣٣. yu murđā as wam tīr wéxt. ٣٤. yam kiđā yat, daraw nīwd sut, lūd-i: “mu nān-at zīd, wuz sām pōdxō χēz, dōd kinum”. ٣٥. yu lūd-i: “mund-ēn du rizīn, yīw χuš ki, zēz χu qarz-andīr. ٣٦. yu kiđā wi χadār rižin-i zōxt χu tūyd. ٣٧. yat tar χu cīd, wi vorōdār-ēn lūd: “dam-at as kā vūd?” ٣٨. yu lūd-i: “χu nān murđā-m đod, mám-um zōxt”. ٣٩. Wād-ēn mis χu nān zīd, wam murđā-yēn yōd tar bōzōr. ٤٠. Mardum-ēn pēxst: “dam murđā ca kinēt?” ٤١. Wād-ēn lūd: “mam bašānd kaβ-tīr parđādām”. ٤٢. Mardum-ēn wēv đōd izzō χu wād-ēn tōyd.



متن روشانی:

vîj na vîj aray vrōd-an vîj. ٢. δaw virōd az yi mōd-an vid, yi virōd az yi mōd. ٣. wúf-an aray šog vîj. ٤. zulik χu šog pōyt, wād katadiyēn χúyā na pōyan. ٥. yi mīθ way is χúyā na pēyt. ٦. way virōdār-an way šog zod. ٧. yā yat way šog nist. ٨. way duδ ik-ám-ari way talēpt, way murdā-yi avūg. ٩. zúxt-i χu sut tar dāxt. ١٠. tamōšo-i cūg; yi uxtur az pirō yat. ١١. way daδ um uxtur-i injivd χu šog wiχin, way Ƃáθ-at-riš mōlt-i uxtur Ƃēmard. ١٢. cōxt-I didi: um χōvānd yat. ١٣. yim šogdōr daraw nīwd sut, lúvd: ēy virōd, ta uxtur mu šog-i χūg. ١٤. way luvd: “ēy virōd, das mā luv, uxtur-ta as šog na χirt”. ١٥. way lúvd-i: “dum Ƃēm ças, wiχin-at Ƃáθ-at-riš, az pōdxō χīz sām, dōδ kinum. ١٦. way uxturdōr lúvd-i: “ēy virōd doδ mā sa, mu uxtur ta šog qār-z-and”, ١٧. ya Ƃaðā um uxtur-ti suwōr-at yat. ١٨. way virodār-an cōxt-an didi, uf virōd uxtur-ti suwōr-at yat. ١٩. lúvd-an: “ēy badbaχt, dum uxtur-at az kā avūg? ٢٠. way-lúvd-i: “mu šog-at zod, áz-um way murdā parδūd, uxtur-um zúxt. ٢١. uf mis xu šagēn-an zod χo, uf murdā-yan zúxt χu yúδ-an tar bōzōr. ٢٢. mardum pawst: “dād-an cīz?” (w)uf-ēn luvd didi: “maf šagēn murdā uxtur-ti dādām”. ٢٣. Mardum luvd didi: “ēy biaqlēn, šog murdā-ta uxtur-ti iyōr xitur-ti na zēzd”. ٢٤. wād-an sat az χu kōr xar mindā χu tāyd-an. ٢٥. χu šagēn-an zod, ná-yan uxtur avūg, ná yan šagēn avūg. ٢٦. dáδ-an tar yakdigar muslaát cūg: “day badbaχt mās-i abrat δūd, mās doy mōd zānam”. ٢٧. uf daδ way way zod. ٢٨. yā saƂīrā sut. ٢٩. χu mōd murdā-i šār-ti siwōr cū, nāwt-at yat yi jōyandi. ٣٠. yi çurúk sēr zēzd. ٣١. yā nost, šār sat tar sēr. ٣٢. yā çurúk um šār-i δūd qumb. ٣٣. yā murdā az um tór-ti wēxt. ٣٤. yim Ƃaðā yat, daraw nīwd sut, lúvd-i: “mú mōd-at zod, az sām tar pōdxō χīz, dōδ kinum”. ٣٥. Way lúvd-i: “múnā-yan δaw rizēn, yīw χu-r χuš kin, zēz χu qār-z-andī. ٣٦. way Ƃaðā way χaydí rižēn zúxt-i χu tuyd. ٣٧. yat tar χu çod, way virōdār-an luvd: “dum-at az kā avūg?” ٣٨. way luvd: “χu mōd murdā-yum δūd-at, mám-um zúxt”. ٣٩. uf mis χu mōd zod, um murdā-yan yúδ tar bōzōr. ٤٠. mardúm-an pawst: “dum murdā ca kinát?” ٤١. uf luvd: “mum bašānd Ƃāc-ti parδādām”. ٤٢. mardúm-an uf δūd izō χu wād-an tāyd.

متن برتنگی:

vud na vud, aray vrōdār-an vad. ٢. δaw virōrdār-an as yi nān yīw as yi nān. ٣. úfā aráy šog-an vad. ٤. zulikík χúyā cōxt, uf kattadō-af χúyā na cōxt. ٥. yi mīθ-at wi mis χúyā na cōxt. ٦. wī virōdār-af wī šog zōd. ٧. yā yat di, wī šog nist. ٨. dáδ-i ik-

wī jōy-tōr talēpt, wī murdā-yi vūg. ٩. zōxt-i χu, sut tar dāxt. ١٠. tamōšo-yi cūg; yi axtur az pirō yat. ١١. wī dað az um injūvd-i, šōga wī χún-at wī kaθ-a-riš tar axtur kem-i mōlt. ١٢. cōxt-i: um axtur sōyib yat. ١٣. yim šōgdōr daraw nīwdōw sut, lúvd-i: a virōd, tā axtur-i mum šōg χūg. ١٤. Wī-yi luvd: “a-lō, das mā lvv, axtur-ti az šōg na χērđ”. ١٥. wī luvd-i: “dim kem cās, wī χún--at kaθ-a-riš, āz tar pōdxō χīz sām, dōd kinum. ١٦. ya axturdōr luvd-i: “tū tar pōdxō χīz mā sāw, mun axtur tā šōg qārz-indē”, ١٧. yā kiđā um axtūr-tōr siwōr sut χu, tūyd. ١٨. wī virodār-af cōxt di, uf virōd axtur-tōr siwōr-at yat. ١٩. luvd-af: “a badbāxt, az dim axtur-af az kā vūg? yid cīyā?” ٢٠. wī luvd-i mum šōg-af zōd, āz-um wī murdā parđōd-at, axtur-um zōxt. ٢١. úf-af mis χu šōg-af zōd χu, uf murdā-yaf ayōd tar bōzōr. ٢٢. mardum-áf pawst: “yid cīz?” ٢٣. úf-af luvd: “yim šōg murdā, axtur-tōr dādān”. ٢٤. mardum-af luvd: “a biaqlēn, šōg murdā-tōr yiyōr axtur na dēt”. ٢٥. wād-an az χu kōr sat xarmindā χu tōyd-an. ٢٦. úf-af χu šōgēn zōd, ná axturaf avūg, at na šōg. ٢٧. dād-af tar yakdigar muslāt cūg: “dī badbāxt az māš abrat dōd, māš di nān zānan”. ٢٨. dād-af wī nān zōd. ٢٩. yā sakīrā sut. ٣٠. χu nān murdā-yi markāb-tōr siwōr cūg, nīwd-i χu, yat yi jō-ndēr. ٣١. yi cūrúk sōr zōzd. ٣٢. ya nōst, markāb sat tar sōr. ٣٣. wī cūrúk az um markāb-i qumb dōd. ٣٤. yim murdā az um markāb dām-tōr wēxt. ٣٥. yā kađā yat, daraw nīwd sut, luvd-i: “mu nān-at zōd, āz tar pōdxō χīz sām, arz kinum”. ٣٦. wī luvd-i: “múnā-an daw razēn, yīw χuš kni, χu qarz-andēr zōz!”. ٣٧. wī kađā az um xaydār razēn zōxt-i χu tūyd. ٣٨. yat tar χu cōd, wī vorōdār-af luvd: “az dīm-at az kā vūg?” ٣٩. wī luvd-i: “χu nān murdā-um dōd-at az mīm-um zōxt”. ٤٠. úf-af mis χu nān zōd, um murdā-af tar bōzōr ayōd. ٤١. mardum-af pawst: “az dim murdā ca-rāng kinat?” ٤٢. úf-af luvd: “az mim bašānd kač-tōr parđādān”. ٤٣. mardum-af az uf izō dōd χu, wād-an tōyd.

واریانت سریقولی:

vedj na vedj, aroy vrúd-af vedj. ٢. da vrúd-af i az ano, I vrud az i ano vedj. ٣. wéf-an aroy wişk vedj. ٤. zyléw-yur χy-yan pōyŷ, wād léwrxéyl-af χy-yan na pōyŷ. ٥. i máθ-at yad mas χy-yan na poyd. ٦. wi virúdxéyl-af wi a-wišk zed. ٧. uy yot iko, wi wişk nist. ٨. tóm-i χy wişk xykéwg, wi myrdó-yi vyg. ٩. zuxt χy, tyyd tar doxt. ١٠. tamušu cewg iko; i xytyr-ik az pyrud yoddt. ١١. uy tom aw-í waodrd χy wişk a-waxín wi kaθ-riš wi tar kov rift. ١٢. cixt iko, wi xytyr suyib-ik yot. ١٣. yam wişk suyib daraw-aθ cī nīwd syt, levd: ey virud, ta xytyr my a-wišk χyg. ١٤. uy levd: “ey virudd, dos mo lev, xytyr a-wišk na χird”. ١٥. uy levd: “dī a-kov cōs, waxín-at kaθ-at-riš, waz pudxu χeyz som, dod lévam. ١٦. uy xytyr suyib levd: “ey vrud, dod mo dō, my xytyr ta wişk pa qarz”, ١٧. uy kađo a-wí xytyr sywur syt χy, tyyd. ١٨. wi vrúdxéyl-af cixt iko, wef vrud i xytyr sywur sédj-at yódd-ik. ١٩. Lévd-af: “ey badbāxt, a-dí xytyr-at as ko vyg? yad cī-yan? ٢٠. uy-

levd iko: “мы a-wišk-af zed, wáz-am wi a-мыгдо parađud, a-хытыг-am zuxt. ۲۱. wod-af mas хы wiškéf zed хы, wef a-мыгдо-yaf zuxt, yúd-af tar buzur. ۲۲. Xalq az wef parst: “yad êeyz?” wód-af levd: “yam wišk maslaç, êi хытыг ter dóyan”. ۲۳. Xálqçéyl-af levdd: “ey béaqqéyl, wišk a-masláç içoy êi хытыг ter na zozd!”. ۲۵. wód-af хы az êer xarminođ syt хы тыуд-af. ۲۶. хы a-wišk-af zed, ná-yaf хытыг vыг, na wišk. ۲۷. dóđ-af iwéw digor qati maslat êewg iko: “yad badbáçt par māš ibrat êewg, māš di ano zónan!”. ۲۸. dóđ-af wi ano zed. ۲۹. уы saçiro syt. ۳۰. ç-onó мыгдо-yi I êi markáb-i viyayond, niwd хы, yót-i i çuy. ۳۱. i çurík-ik sor zozd. ۳۲. уы nalыst, markáb syt tar sor. ۳۳. уы çurik žer qati a-markáb-i dud. ۳۴. уы мыгдо az wem ter woxt. ۳۵. yam Bađo yot, daraw êi niwd syt, levd iko: “m-anó-yat zed, waz som pudxu çeyz, dod dóyam”. ۳۶. уы lévd-i: “мы-yan dáw-aθ razén, az wef iw хыî ka, zoz ç-onó pa хын. ۳۷. уы Bađo wi a-léwr razén zuxt хы тыуд. ۳۸. yot хы pa çed, wi vrúdxéy-af levd: “a-dém-at as ko vыг?” ۳۹. уы levd: “ç-onó мыгдо-yam dud, a-mém-am zuxt”. ۴۰. wód-af mas ç-onó zed хы, wem a-мыгдо-af yud tar buzur. ۴۱. çalq az wef parst: “a-dém мыгдо саça káyitt?” ۴۲. wód-af levd: “a-mém šani voc-ter párdoyan”. ۴۳. mardым a-wéf izu dud хы, wód-af тыуд.

### ترجمه (به دری):

۱. بود نبود، سه برادر بود. ۲. دو برادر از یک مادر و یک از دیگر مادر. ۳. آنها سه گوساله داشتند. ۴. برادر کوچک از گوساله خود نگهداری میکرد و برادران بزرگ از خود نگاه نمی کردند. ۵. یک روز برادر کوچک از گوساله خود نگهداری نکرد. ۶. او آنرا پالید تا که نعش او را یافت. ۹. آنرا گرفته و به صحرا رفت. ۱۰. دید که یک شتر از پیشرو او نزدیک میشود. ۱۱. او شتر را گرفته و پوز آنرا با خود گوساله مالید. ۱۲. دید که صاحب شتر آمد. ۱۳. صاحب گوساله فی الفور گریه را شروع کرد و گفت: «ای برادر! شتر تو گوساله مرا خورد». ۱۴. آن شخص گفت: «اینرا نگو برادر، شتر گوساله را نمی خورد». ۱۵. او گفت: «ببین پوز شتر را که با خون آغشته است، من پیش پادشاه شکایت می کنم». ۱۶. صاحب شتر گفت: «برادر برای شکایت نرو، شتر مرا عوض گوساله خود بگیر». ۱۷. جوان بالای شتر نشست و رفت. ۱۸. برادران او را دیدند که بالای شتر به خانه آمد. ۱۹. آنها گفتند: «ای رذل از کجا این شتر را آوردی؟» ۲۰. او گفت: «شما گوساله مرا کشتید. من او را فروخته و شتر را گرفتم. ۲۱. آنها فی الفور گوساله های خود را کشته و نعش ها را به بازار آوردند. ۲۲. مردم پرسیدند: «این چه است؟» آنها گفتند: «این نعش های گوساله ها هستند و به مقابل میفروشیم. ۲۴. مردم گفتند: «احمق ها! نعش گوساله را هیچ کس با شتر عوض نمی کند.» ۲۵. آنها از کار خود شرمند شدند و رفتند. ۲۶. هم گوساله های خود را کشتند ولی شتر را بدست نه آوردند و نه گوساله را. ۲۷. آنوقت آنها بین خود فیصله کردند: «این نابکار مارا فریب داد، ما مادر او را میکشیم.» ۲۸. آنها مادر او را کشتند. ۲۹. او یتیم شد. ۳۰. جسد مادر خود را بالای یک خر گذاشت و گریان به یک جای رفت. ۳۱. یک نفر غله جمع میکرد. ۳۲. جوان نشست و خر در خرمن داخل شد. ۳۳. آن مرد خر را به سنگ زد. ۳۴. جسد از خر افتاد. ۳۵. جوان نزدیک شد و گریه را شروع کرد و گفت: «من دو دختر دارم، یکی را بعوض مادر خود بگیر.» ۳۷. جوان دختر کلان را گرفت و رفت. ۳۸. خانه آمد، برادران او گفتند: «از کجا او را آوردی؟» ۳۹. او گفت: من جسد مادر خود را بمقابل این دختر فروختم. ۴۰. آنها مادر خود را کشتند و آنرا به بازار بردند. ۴۱. مردم پرسیدند: «با این جسد چی میکنید؟» ۴۲. آنها گفتند: «آنرا بمقابل دختر مقبول میفروشیم.» ۴۳. مردم آنها را شرماندند و آنها رفتند.

نوت: زبان های اشکاشمی، یزغلامی، واخانی، و منجانی، بطور علیحده در آینده فصل وار تایپ و نشر خواهد گردید. (ثابتی)